

۶
توسعهشمارش معکوس طرح جنجالی
بررسی طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی۶
توسعهمخالفت با کاپیتالیسم
چرا روشنفکران علیه سرمایه‌گذاری موضع می‌گیرند؟۷
کوچهپرواز آب‌پاش‌ها
مقابله با آتشی که به جان هورالعظیم افتاد

لایحه را پس بگیرد

نامه انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران به رئیس‌جمهور و بررسی لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع که دو فوریت آن دیروز در مجلس تصویب شد

۲
ایران

یادداشت روز

تنگنای تصمیم‌های اشتباه

تهران دیگر آن شهر ایام گذشته نیست

الهام فخاری

روانشناس
و عضو پیشین شورای شهر تهران

ساعتی پس از اعلام حمله موشکی به پایتخت، همزمان با خشم و بهت از ورود مستقیم به یک وضعیت جنگی، نگاه بسیاری از ما متوجه واقعیتی دیگر شد: تهرانی که در گرمای بی‌سابقه تیرماه با بحران آلودگی، تراکم و فرسودگی زیرساختی مواجه است تا چه اندازه می‌تواند در برابر تنش‌های جدی‌تر تاب بیاورد؟

تهران امروز دیگر آن شهر چندهزار نفری خوش‌آب‌وهوای دامنه البرز نیست که روزی در آغاز قرن سیزدهم خورشیدی به پایتختی برگزیده شد. این شهر در طول سده‌های اخیر، به‌ویژه از دهه ۱۳۴۰، در مرکز تمام مناسبات اقتصادی، سیاسی و دیوان‌سالارانه کشور قرار گرفته است. همین تمرکز تاریخی، تهران را بدل به مقصد نهایی مهاجرت کرده؛ جمعیتی که ظرفیت زیستی شهر برای ۳ تا ۴ میلیون نفر طراحی شده بود حالا در سکونت‌گاهانی فشرده و نابرابر، نزدیک به ۱۰ میلیون نفر را در خود جا داده است.

اما مسأله تنها جمعیت نیست؛ مسأله، بارگذاری فراتر از توان و فقدان چشم‌اندازهای واقعی برای توسعه متوازن است. هم‌اکنون تهران با فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل، تراکم افسارگسیخته، تورم مسکن، بحران آب و آسیب‌پذیری شدید زیست‌محیطی دست‌به‌گریبان است. در گرمای ۴۲ درجه و آسمان پر از ذرات معلق، تهران حتی برای زیست روزمره هم جای کافی، راه باز و هوای سالم ندارد.

این بحران‌ها، محصول سیاست‌هایی است که طی دهه‌ها به جای توزیع متوازن فرصت‌ها، ثروت، و خدمات، پایتخت را به انبار همه‌چیز بدل کرده‌اند. همزمان، فقدان اشتغال پایدار و امکانات رفاهی در بسیاری از شهرها و روستاها، موج‌های پی‌درپی مهاجرت به تهران را پدید آورده است. نتیجه آنکه تهران همچون بند ناف توسعه ناکارآمد ملی، روز به روز متورم‌تر، نابرابرتر و آسیب‌پذیرتر شده است. شهرهای توسعه‌یافته، حاصل برنامه‌ریزی‌های پیش‌نگر، توزیع عادلانه منابع و احترام به ظرفیت‌های اقلیمی و انسانی‌اند. اما ما در بسیاری از برهه‌ها، راهی خلاف این جهت رفته‌ایم. تهران نماد این انحراف است: شهری که زیر فشار انتظارات ملی، فراموش کرده یک زیستگاه است، نه فقط مرکز فرماندهی.

امروز بیش از هر زمان به گفت‌وگویی ملی درباره «مفهوم پایتخت بودن» نیاز داریم. اگر جنگ و تهدیدهای امنیتی، آزمون تاب‌آوری یک شهر هستند باید از خود بپرسیم: چرا این شهر تا این اندازه خسته، متراکم و در معرض خطر شده است؟ اگر تهران بستر همه چیز است، چرا جای زندگی نیست؟

پیشنهاد من روشن است: اکنون، زمان توقف برخی روندهای آسیب‌زا و آغاز برنامه‌ریزی برای توسعه متوازن و غیرمتمرکز است. نه به معنای حذف تهران از نقشه قدرت و سرمایه بلکه به معنای کاهش وابستگی کشور به یک نقطه. با تقویت مشاغل محلی، ارتقای زیرساخت‌های مناطق کمتر برخوردار و افزایش کیفیت زندگی در شهرهای کوچک، می‌توان از بار تهران کاست، نه با اجبار بلکه با ایجاد انگیزه برای ماندن.

جمعیت، سرمایه بی‌جان‌ترین یک ملت است. حفظ این سرمایه، تنها در سایه احترام به عدالت فضایی، تنوع اقلیمی و تاب‌آوری زیست‌محیطی ممکن است. شاید این روزهای سخت، فرصتی باشند برای بازاندیشی؛ فرصتی برای آنکه تهران را از تنگنای تصمیم‌های متمرکز به زیستگاهی واقعی برای همه تبدیل کنیم.

چپ هرگز نفهمید

به بهانه پایان سریال **تاسیان**، نگاهی به این سریال و جامعه طبقاتی آن دوران انداختیم و به بازخوانی خیانت روشنفکران توده‌ای و چپ‌گرا در ایران پرداخته‌ایم

سازندگی



اکبر منتجبی

سردبیر



تضادها، از خیانت چپ‌ها، از کارآفرینی که ساخت و سوخت تا دانشگاه آلوده، از سفیدشویی ساواک تا چپ‌زدگان سرخ! در میانه گردوخاک روایت‌های تاریخی تکراری، سریال تاسیان ساخته تینا پاکروان، بازخوانی نوع دیگری از تاریخ است. سریالی که برخلاف شعارهای رسمی یا سانتی‌مانتالیسم‌های بی‌جان، با جسارت، از یک انقلاب و تحول سیاسی در لایه‌لای یک داستان عاشقانه حرف می‌زند. سخن

سریال، بیش از آنکه حرفی عاشقانه باشد، سیاسی است. به تحولات مهم ایران پیش از انقلاب می‌پردازد که کشور بر لبه یک رنسانس ایستاده بود. ایران دهه ۵۰ نه‌چندان دموکراتیک، نه کاملاً مدرن و نه بی‌نقص؛ اما به سرعت در حال پوست‌اندازی بود. تاسیان درباره این است که در یک جامعه‌ی طبقاتی، مذهبی‌ها چه نقشی داشتند، چپ‌ها که با ندای آزادی آمده بودند، چه خیانت‌هایی را انجام دادند و چگونه به

افرادی مخرب تبدیل شدند و کارآفرینان میهن‌دوست که از طبقه مرفه جامعه بودند، چگونه به دست چپ‌ها زندگی و آینده‌شان بر باد رفت. اگر بخواهیم از همین منظر، داستان این سریال را بررسی کنیم باید بگوییم تاسیان از منظر جامعه‌شناختی، به‌جای روایت‌های قهرمان‌محور، به سراغ طبقات می‌رود. سه طبقه اصلی که هر یک، در متن انقلاب، نقش‌آفرینی کردند.

ادامه در صفحه ۵

دیدگاه: یادداشت وارده**روزنامه‌نگاری، روابط‌عمومی نیست****درباره لایحه
مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع****مجید مقدری**کارشناس رسمی فناوری اطلاعات
و جرایم رایانه‌ای

۱ مسعود پزشکیان در دورانی که نماینده مجلس بود، در برنامه زنده تلویزیونی در مورد مرگ مهسا امینی گفته بود: «گر حکم شود که مست گیرند / در شهر آنکه هست گیرند. همه را باید بگیرند چون ما داریم زور می‌گیرم». و اکنون ظاهراً با ارسال لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع با امضای مسعود پزشکیان به عنوان رییس جمهور، ظاهراً در شهر مجازی هر آنکه هست را می‌توان گرفت.

۲ پزشکیان به عنوان جراح قلب در همان برنامه می‌گوید «از نظر علمی اینجوری نیست که یکی همینجوری اتفاقی (سکنه کند)». در صورت وجود این قانون در آن زمان، مسعود پزشکیان به جرم انتشار محتوای خلاف اظهارات مقامات رسمی و نهادهای حاکمیتی به حبس از ۶ ماه الی ۱۵ سال می‌توانست محکوم شود.

۳ در این لایحه، محتوای خلاف واقع به صورت «محتوایی که مابه‌ازایی در واقعیت نداشته یا شکل تحریف شده‌ای از یک واقعیت یا انعکاس ناقص واقعیت» باشد، تعریف شده است. استفاده از عبارت «خلاف واقع» که حالت غیرعامدانه را نیز در بر می‌گیرد به جای کلمه مرسوم «کذب» که بار معنایی عامدانه دارد، نشان دهنده این است که طراحان لایحه به دنبال حذف عنصر سوئیت به عنوان یکی از ارکان مهم محکومیت کیفری بوده‌اند چراکه در اکثر پرونده‌های نشر اکاذیب، عدم آگاهی افراد از کذب بودن موضوع سبب برائت کیفری آنان گردیده است. در ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» به عنوان شرط تحقق جرم نشر اکاذیب به وسیله سازمان‌های رایانه‌ای یا مخابراتی می‌باشد. طراحان این لایحه با به کارگیری تعریف «خلاف واقع» سعی کردند، کاربران را فارغ از قصد و انگیزه انتشار محتوا، مشمول پیگرد قانونی قرار دهند.

۴ تمام خبرنگاران و کاربرانی که در شبکه‌های اجتماعی با توجه به محدودیت زمانی و حجمی انتشار ویدئوها، تنها به انتشار بخش کوتاه و مهمی از اظهارات مسئولین اقدام می‌کنند، می‌توانند به اتهام «انعکاس ناقص واقعیت یا پنهان کردن بخش‌هایی از آن» که سبب شبهه و فریب مخاطب شده است، محکوم شوند. اگرچه گویا تدوین‌کنندگان این لایحه به درستی درصدد بوده‌اند که از تحریف سخنان مسئولان با بریدن و چسباندن کلمات مبانی از جملات ممانعت نمایند اما متأسفانه در تبدیل این هدف به متن، قابلیت جرم‌نگاری گسترده را در این زمینه امکان‌پذیر نمودند.

۵ بر اساس تعاریف «محتوا» و «نشر محتوا» در این لایحه، تمامی نظرات نوشته شده توسط کاربران و دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام، تویتر، گروه‌های تلگرامی و واتس‌آپی در زمره نشر محتوا و مشمول این قانون قرار می‌گیرد. اگر تاکنون رویه واحدی در مراجع قضایی برای تعمیم مسئولیت نظرات کاربران به مدیران صفحات و گروه‌های مجازی وجود نداشته است براساس این لایحه، کاربر نظردهنده و مدیر درگاه نشر همزمان دارای مسئولیت کیفری می‌باشند.

۶ مجازات کارکنان و مدیران دستگاه‌های اجرایی بر اساس ماده ۱۵ این لایحه در صورت اظهارات خلاف واقع در حوزه وظایف اداری خود تشدید می‌شود. تاکنون اظهارنظر کارشناسی کارکنان در حوزه تخصص خود بر خلاف اظهارات مسوولان مافوق، تنها تبعات محرومیت از ارتقای شغلی و تشویق‌های رفاهی را در پی داشته است اما این لایحه سبب می‌شود که مسوولان با قدرت ناشی از قانون، انتقادات کارشناسی و تخصصی کارکنان به تصمیمات و اقدامات ناصحیح خود را به بهانه انتشار محتوای خلاف واقع با شکایت قضایی پاسخ دهند و عملاً جایگاه کارشناسی در نقد تصمیمات اشتباه مدیران و اصلاح اقدامات ناصحیح ساختار دولتی تضعیف خواهد شد.

جورج اورول زمانی گفته بود «روزنامه‌نگاری انتشار چیزی است که دیگران نمی‌خواهند منتشر شود، مابقی روابط عمومی است». در صورت تصویب بدون تغییر این لایحه توسط مجلس از روزنامه‌نگاری، فعالیت رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی چیزی فراتر از روابط عمومی مسئولین و دستگاه‌های اجرایی باقی نخواهد ماند.

لایحه را پس بگیرید

نامه انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران به رئیس‌جمهور و بررسی لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع که دو فوریت آن دیروز در مجلس تصویب شد

کشور است.» علی آذری، عضو کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس، دومین مخالف بررسی دوفوریت لایحه بود. وی ضمن تأکید بر ضرورت ساماندهی فضای مجازی، اظهار کرد: «این فضا ترکیبی از فرهنگ، اجتماع، سیاست و فناوری است. لایحه اراانه شده خامتر از آن است که بتوان آن را به عنوان قانون پذیرفت». او استفاده از واژگانی همچون «محتوای خلاف واقع»، «تشویش اذهان عمومی» و «ظن قوی» را مصداق تفسیر موسع دانست.

همچنین جمعی از نمایندگان مجلس اعم از سیدفرید موسوی، غلامرضا تاجگردون، فریدون همتی، محمد مهدی شهریار، احمد محمدی‌انارکی، مریم عبداللهی، مصطفی پوردهقان، مهرداد لاهوتی، رضا سپهوند، محمد بهرامی، بیت‌الله عبداللهی، عالیه زمانی‌کیاسری، زهرا خدادادی، محسن فتحی، احمد فاطمی، سیدمحمد جمالیان، مسلم صالحی، فضل‌الله رنجبر و احمد ییگدلی نیز در نامه‌ای به مسعود پزشکیان رئیس جمهوری از لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری غیرواقع» انتقاد کردند و نوشتند: آیا پاسخ آن همراهی باید تحدید آزادی بیان، تهدید رسانه‌های مستقل و تضعیف فضای مجازی باشد؟ در این نامه که نسخه‌ای از آن در اختیار خبرگزاری خبرآنلاین قرار گرفته، خطاب به رییس جمهور پزشکیان آمده است: در روزهایی که هنوز فضای کشور از هم‌صدایی و همراهی کم‌نظیر مردم در جنگ ۱۲ روزه اخیر لبریز است و افکار عمومی، دل در گرو انسجام ملی و دفاع از کبان کشور دارد، خبر ارسال لایحه موسوم به «مقابله با انتشار محتوای خبری غیرواقع» از سوی دولت به مجلس با شگفتی، تأسف و نگرانی عمیق از سوی جامعه، اصحاب رسانه، نخبگان و نمایندگان ملت مواجه شده است. تعجب‌برانگیز است که دولتی با سابقه شعارهای ضدانحصار، مردمی‌سازی، شفافیت، عدالت‌خواهی و رویکرد به گفت‌وگوی ملی چنین لایحه‌ای را تدوین و به مجلس ارسال کرده باشد؛ آن هم درست پس از آنکه مردم با تمام وجود، فارغ از اختلافات و انتقادات در کنار حاکمیت ایستادند و از کشورشان در برابر دشمن دفاع کردند. آیا پاسخ آن همراهی، باید تحدید آزادی بیان، تهدید رسانه‌های مستقل و تضعیف فضای مجازی باشد؟ چه پیامی دریافت می‌کند، مردمی که هنوز از التهاب جنگ اخیر عبور نکرده‌اند، وقتی می‌بینند اولین واکنش رسمی، لایحه‌ای برای ساکت کردن منتقدان است، نه تقویت امید و گفت‌وگوی اجتماعی؟ جناب آقای رئیس‌جمهور، ما به عنوان جمعی از نمایندگان مجلس، به‌درستی از این اقدام دولت ابراز نگرانی می‌کنیم. اکنون زمان شنیدن است، زمان ترمیم است، نه تشدید شکاف‌ها.

سیدنجیب حسینی، نماینده مینودشت و نخستین موافق دوفوریت با اشاره به خلاهای قانونی در حوزه فضای مجازی، گفت: «اتهام‌زنی، برجسب زدن و ریختن آبروی افراد در فضای مجازی، بخشی از جنگ ترکیبی دشمن است که می‌تواند اعتماد عمومی به نظام را خدشه‌دار کند» زهرا سعیدی، نماینده مبارکه و دومین موافق دوفوریت، تأکید کرد: «امنیت روانی جامعه بخشی از امنیت اجتماعی کشور است. نباید اجازه داد فضای مجازی بی‌ضابطه، این امنیت را به خطر بیندازد».

آن‌طور که تحلیلگران معتقدند، لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی، هرچند با هدف اعلامی حفظ امنیت روانی و سلامت اطلاعاتی جامعه تدوین شده اما واقعیت این است که در شرایط فعلی با حساسیت بسیار بالایی مواجه است. تصویب دو فوریتی آن، بدون بحث‌های فراگیر کارشناسی، نگرانی‌های زیادی را درباره محدود شدن آزادی بیان، دستکاری در جریان آزاد اطلاعات و افزایش هزینه‌های فعالیت رسانه‌ای ایجاد کرده است. بنابراین دولتی که می‌خواست فیلترینگ را بردارد و اینترنت را آزاد کند باید پاسخگو باشد به یکباره چه شد که طرحی شبیه به صیانت را به جریان انداخت؟

هزار نفر برای ایران است. چنین محدودیتی به معنای نظارت رسمی بر کانال‌های تلگرامی، صفحات اینستاگرامی و حتی سایت‌های پربازدید است که می‌تواند، فعالیت آزاد رسانه‌ای را با مانع جدی مواجه کند. در گزارش وزارت دادگستری آمده که تدوین این لایحه بر اساس مطالعات تطبیقی صورت گرفته است. برای نمونه در آلمان انتشار آگاهانه اخبار جعلی که موجب اختلال در نظم عمومی شود، جرم تلقی می‌شود. در فرانسه نیز قانون مقابله با اطلاعات نادرست در دوران انتخابات، یکی از پرچالش‌ترین مقررات بوده است. اما تفاوت بزرگ میان تجربه کشورهای اروپایی با آنچه در ایران در حال وقوع است در سازوکار اجرای قانون، استقلال نهادهای قضایی و آزادی رسانه‌های منتقد است؛ موضوعاتی که در ایران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارند.

واکنش انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به این لایحه

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران دیروز در بیانیه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان نوشت: چنانکه آگاهی دارید، اخیراً لایحه‌ای با عنوان «مقابله با مطالب خلاف واقع در فضای مجازی» توسط هیأت محترم وزیران با قید دو فوریت تصویب و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. این لایحه که به‌صورت پنهانی و بدون طی فرآیندهای کارشناسی و مشارکت عمومی تهیه شده، حاوی مواد و مفادی است که به‌طور جدی آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات را تهدید می‌کند و از نظر حقوقی و اجتماعی مغایر با اصول قانون اساسی و حقوق بنیادین ملت ایران است. جناب‌عالی در ایام تبلیغات انتخاباتی همواره بر حقوق اساسی ملت به‌ویژه آزادی بیان، شفافیت و رفع محدودیت‌های ارتباطی تأکید داشته‌اید و از جمله برنامه‌های اعلام‌شده شما رفع فیلترینگ و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی کشور بوده است. اما متأسفانه تصویب چنین لایحه‌ای در هیأت وزیران با آن رویکرد اعلامی در تضاد کامل قرار دارد».

همچنین در بخش دیگری از متن این بیانیه اینطور آمده است: کارشناسان و صاحب‌نظران از طیف‌های گوناگون پس از انتشار مفاد این لایحه نسبت به ابعاد خطرناک و مبهم آن هشدار داده‌اند؛ چراکه اجرای آن نه تنها فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را با محدودیت‌های شدید مواجه می‌کند بلکه امنیت شغلی و حرفه‌ای آنها را نیز تهدید خواهد کرد. بی‌تردید چنین لایحه‌ای نه تنها از منظر حقوقی و اجتماعی قابل دفاع نیست، بلکه تصویب آن، نقطه عطفی منفی در تاریخ آزادی‌های مدنی و رسانه‌ای کشور خواهد بود. به‌ویژه آنکه برای نخستین‌بار، در متنی قانونی، سانسور به‌صراحت مجاز و حتی تکلیف شده است. لذا انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، با استناد به ماده ۱۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، از جناب‌عالی به‌عنوان رئیس‌جمهور محترم مصرانه درخواست می‌کند که با استفاده از اختیار قانونی خود نسبت به بازپس‌گیری این لایحه از مجلس شورای اسلامی اقدام فرمایید. این انجمن آمادگی خود را برای مشارکت فعال در تدوین سیاست‌های منصفانه، علمی و کارشناسی در حوزه مدیریت فضای مجازی با حضور نمایندگان دولت، مجلس، جامعه رسانه‌ای و متخصصان حقوقی اعلام می‌دارد.

واکنش‌ها در مجلس؛ وحدت یا شکاف؟

در جلسه علنی، تقاضای دولت برای بررسی لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» مخالفان و موافقان هم داشت. فرید موسوی، نماینده مراغه و اولین مخالف دوفوریت این لایحه با اشاره به ضرورت انسجام ملی در شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه، اظهار کرد: «کشور در این مقطع نیازمند اعتماد عمومی، همراهی اجتماعی و فضای گفت‌وگو است. ارائه این لایحه با قید دوفوریت نه تنها مایه تعجب بلکه در تضاد با مصالح

**هدا احمدی**

گروه سیاسی

در کمتر از چند دقیقه با رأی قاطع ۲۰۵ نماینده پارلمان یکی از جنجالی‌ترین لوایح سال‌های اخیر به مسیر تصویب افتاد. لایحه‌ای با امضای مستقیم رئیس‌جمهور برای مقابله با «محتوای خلاف واقع» در فضای مجازی که موافقتش آن را سپری برای آرامش روانی جامعه می‌دانند و مخالفانش، شمشیری دولبه علیه آزادی بیان، رسانه‌ها و کاربران اینترنت. این لایحه با ۴۹ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۷ نماینده حاضر در مجلس داشت که بلاشک آن هم در این شرایط کشور، گامی بلند در مسیر قانون‌گذاری حوزه فضای مجازی تلقی می‌شود اما در عین حال نگرانی‌های بسیاری را درباره محدود شدن آزادی بیان، امکان سوءاستفاده از قانون و تحدید فعالیت رسانه‌ای در جامعه برانگیخته است.

لایحه‌ای که دولت چهاردهم با قید دو فوریت روانه قوه مقننه کرد، لایحه‌ای است که با جلسات متعدد بین معاونت حقوقی با ریاست مجید انصاری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت زنان و خانواده و دستگاه‌های اجرایی برگزار شد. قبل از تصویب این لایحه در مجلس و پس از بالا گرفتن موج انتقادات، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری در بیانیه‌ای توضیحی سعی کرد از لایحه دفاع کند. در این بیانیه آمده است که طرح اولیه از سوی قوه قضائیه و به استناد مصوبه شورای عالی فضای مجازی (سال ۱۳۹۹) تدوین شده بود و دولت فقط نسخه نهایی آن را پس از اعمال اصلاحات گسترده، تصویب کرده است.

سیدکاظم دلخوش، معاون امور تقنینی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در دفاع از لایحه گفت: این لایحه ۲۲ ماده‌ای، وظایف وزارتخانه‌ها، مصادیق تخلفات و مجازات‌ها را به‌طور مشخص تبیین کرده است. او با اشاره به ویژگی‌های فضای مجازی، اظهار کرد: در کنار مزایای سرعت و گستردگی اطلاعات، آسیب‌هایی چون انتشار محتوای تحریف‌شده نیز وجود دارد که می‌تواند به اعتماد عمومی و انسجام ملی لطمه بزند. وی تأکید کرد: «دولت آمادگی کامل دارد تا با مجلس در زمینه اصلاح و تکمیل جزئیات لایحه همکاری کند».

آن‌ور که دولت معتقد است، این لایحه اصلاح شده به مجلس فرستاده شد اما دقیقاً لزم‌پرویز کردن یک لایحه کهنه که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و حقوق‌دان‌ها چه لزومی داشت؟ حتی اگر هم بگویند در آن مجازات حسن فقط با دو شرط است. لزوم شتاب تصویب این لایحه چه بود؟ آنچه در افکار عمومی و فضای نخبگانی مورد توجه قرار گرفته، نه صرفاً متن بلکه شتاب دولت در ارائه این لایحه به صورت دو فوریتی، آن هم در شرایط اجتماعی و سیاسی کنونی کشور است.

وزارت دادگستری چه می‌گوید؟

در پاسخ به موج انتقادات، وزارت دادگستری به‌طور رسمی جزئیاتی از لایحه را منتشر و تلاش کرد برخی شبهات را رفع کند. در این توضیحات آمده است که: انتشار اخبار جعلی، نادرست یا تحریف‌شده که موجب تشویش اذهان عمومی بهرم زدن آرامش مردم، آسیب به اقتصاد یا امنیت روانی جامعه شود، مستوجب پاسخ‌گویی است. تجربه کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که مقابله با اخبار جعلی، امری رایج و ضروری است و بسیاری از دولت‌ها طی دو دهه گذشته با ابزارهای کیفری جدی به این موضوع ورود کرده‌اند. استناد به بیانات مقام معظم رهبری درباره ضرورت حفظ امنیت روانی جامعه، پشتوانه‌ای شرعی و قانونی برای این لایحه عنوان شده است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مورد توجه و البته انتقاد در این لایحه، مجازات حبس برای ناقضان قانون است. مطابق ماده ۱۲ لایحه، مجازات حبس تنها در صورتی اعمال می‌شود که دو شرط توأمان احراز شود: شرط اول: آگاهی و عمد در انتشار محتوای خلاف واقع و شرط دوم: انتشار در درگاهی که بیش از یک‌هزارم جمعیت کشور عضو آن باشند. بر اساس این بند، صرف خطای رسانه‌ای یا اشتباه در بازنشر محتوا، مجازات حبس ندارد و تنها افرادی که عامدانه و با قصد، اخبار نادرست را منتشر کرده‌اند، آن هم در رسانه‌هایی با مخاطبان گسترده شامل مجازات حبس درجه ۶ (۶ ماه تا ۲ سال) خواهند شد. لایحه به صراحت اعلام می‌کند که نهاد یا شخص خاصی از قانون مستثنا نخواهد بود و هیچ امتیازی برای رسانه‌های خاص قائل نیست. با این حال، منتقدان نگران‌اند که در عمل، قانون به گونه‌ای اجرا شود که به نفع جریان‌های خاص قدرت تمام شود. در همین راستا، لایحه به پلتفرم‌هایی با اعضای بیش از یک‌هزارم جمعیت اشاره کرده که به طور تقریبی حدود ۸۵



ناگفته‌های عراقچی

وزیر خارجه درباره ۱۲ روز تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران چه گفت؟

گروه بین‌الملل: سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان

در تازه‌ترین اظهارات خود با بیان خاطراتی از روز ترور اسماعیل هنیه، رئیس پیشین دفتر سیاسی حماس در تهران گفت: «وقتی شهید هنیه را ترور کردند؛ روز قبل از آن دکتر پزشکیان سوگند یاد کرده بودند ولی وزرا انتخاب نشده بودند. بنده هم یکی از گزینه‌ها برای وزارت خارجه بودم همان روز عصرش رهبری جلسه گذاشتند که معمولاً وقتی مسائل مهمی پیش می‌آید، جلساتی را می‌گذاشتند که از من هم دعوت شد و افراد شورای عالی امنیت ملی و رئیس جمهور هم حضور داشتند.

در آن جلسه نظر همه بر این بود که باید پاسخ بدهیم ولی در بین سیاسیون و نظامیان اختلاف نظر درباره زمان و چگونگی وجود داشت. علت اصلی تردید در مورد زمان این پاسخگویی اتفاقاً از طرف نظامیان بیان شد. فرماندهان نظامی اعتقاد داشتند، زمانی باید حمله انجام شود که ما مطمئن باشیم پس از حمله می‌وانیم از کشور دفاع کنیم». وی گفت: «اختلاف نظر برحسب زمان و چگونگی حمله هم میان فرماندهان نظامی و هم سیاسیون وجود داشت. در آن جلسه قرار شد، آمادگی‌های نظامی برای دفاع از کشور بعد از حمله اول پدید بیاید بعد عملیات صورت بگیرد».

خاورمیانه

مشارکت فرانسوی - سعودی

پاریس و ریاض در کنفرانس بین‌المللی راهکار دو دولتی چه طرحی در باره کشور فلسطین روی میز می‌گذارند؟

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



موضع اخیر امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه در مورد به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط پاریس که پنج‌شنبه گذشته از سوی او اتخاذ شد، حالا به یک محور سیاسی و رسانه‌ای در اروپا و منطقه تبدیل شده که دائماً یا در حال تحلیل شدن است و یا اینکه اخبار تکمیلی و اظهارنظرهای مکمل در مورد آن را شاهد هستیم. اینکه چرا موضع ماکرون در مورد کشور فلسطین از اهمیت بالایی برخوردار است، بدون شک دلایل متعددی می‌تواند در بطن خود داشته باشد. نخستین اهمیت سخنان او این است که رسماً اعلام کرده در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) کشور فلسطین را به طور رسمی به رسمیت خواهد شناخت که همین موضع او باعث شد تا واکنش تند ایالات متحده و اسرائیل علیه الیزه شکل بگیرد؛ تا جایی که دونالد ترامپ یک روز بعد از اظهارات رئیس جمهور فرانسه در جمع خبرنگاران اعلام کرد که «بیانیه ماکرون درباره به رسمیت شناختن فلسطین بی‌معنی و سخنان او بی‌ارزش است؛ البته که خود ماکرون شخص خوبی است اما این بیانیه او چیزی را تغییر نخواهد داد». دومین اهمیت موضع ماکرون را می‌توان به شرایط فعلی در غزه گره زد. بر اساس آخرین آمارهای منتشر شده از سوی وزارت بهداشت غزه، نزدیک به ۶۰ هزار نفر در این منطقه و در اثر حملات مداوم زمینی، هوایی و حتی دریایی اسرائیل از ابتدای ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون جان خود را از دست داده‌اند و تعداد مجروحان نیز به ۱۴۴ هزار ۸۵۱ نفر افزایش یافته است. از سوی دیگر باید توجه شود که قحطی و اعمال گرسنگی بر غیرنظامیان توسط اسرائیل همچنین هدف قرار دادن غیرنظامیانی که در صف دریافت کمک‌های بشردوستانه هستند موجب ایجاد یک موج انتقادی از سوی کشورهای اروپایی و منطقه شده است.

طرح فرانسه و عربستان چیست؟

در این راستا ژان نوبل بارو، وزیر خارجه فرانسه در گفت‌وگو با نشریه «لو ژورنال دو دیمانش» درباره طرح مورد نظر فرانسه در قبال کشور فلسطین که با مشارکت عربستان سعودی در دستور کار قرار دارد، مدعی شده که کشورهای عربی، حماس را محکوم خواهند کرد و تلاش می‌کنند که به رسمیت شناختن کشور فلسطین را پیش ببرند. او اظهار کرده که کشورهای عربی برای اولین بار طی روزهای آبی در نشست وزارتی سازمان ملل در نیویورک، حماس را محکوم کرده و خواستار خلع سلاح آن خواهند شد که هدفش جلب حمایت کشورهای اروپایی بیشتری برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین



مسلح پیش آمد؛ دوستان فکر کرده بودند که تا ساعت ۴ به وقت گرینویچ است که تا ساعت ۷.۳۰ به وقت تهران حملات علیه رژیم را ادامه دادند. یک سوءتفاهم بعدازظهر همان روز پیش آمد که با یک تماس کنترل شد. بعدازظهر روز اول آتش‌بس رژیم ادعا کرد که ایران موشک زده و توافق را نقض کرده و هوایمایشان را برای حمله فرستادند. من همان‌جا به استیو ویتکاف پیام دادم که اسرائیل در حال بهانه‌گیری است و ایران را متهم به نقض کرده و چنین نقضی صورت نگرفته است اگر اقدامی کنند ما بلافاصله و شدیدتر از گذشته پاسخ می‌دهیم. ایران، لبنان نیست یعنی ال‌گوی که در لبنان پیاده کردند را نمی‌توانند اینجا تکرار کنند. پس از این مکالمه، دونالد ترامپ تئوتیتی با این مضمون منتشر کرد که خلبان‌ها باید برگردند و آتش‌بس را نقض نکنند. این تئوتیت هم مدرک دیگری بود که نشان داد که از اول همه چیز با هماهنگی آمریکایی‌ها بوده است».

آسیای شرقی

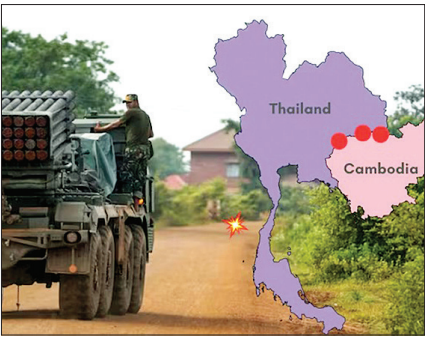
آتش‌بس شکننده

چرا با وجود درخواست ترامپ برای ختم منازعه میان تایلند و کامبوج این دو کشور دست به سلاح هستند؟

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، شامگاه شنبه اعلام کرد که گفت‌وگویی مثبت با نخست‌وزیر کامبوج داشته و در جریان آن درباره رایزنی‌های خود با نخست‌وزیر موقت تایلند نیز اطلاع‌رسانی کرده است. ترامپ در بیانیه خود که در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» منتشر شده است، افزود: «هر دو طرف خواهان بازگشت به میز تجارت با ایالات متحده هستند اما ما معتقدیم که تا زمان توقف کامل درگیری‌ها چنین اقدامی مناسب نیست». رئیس‌جمهور آمریکا افزود که طرفین توافق کرده‌اند به‌سرعت دیدار کنند و برای رسیدن به آتش‌بس و در نهایت صلح، تلاش کنند. درگیری مرزی دیرینه میان تایلند و کامبوج بار دیگر شعله‌ور شده و کشور با چالش‌های داخلی و فشارهای اقتصادی روبه‌رو هستند.

تنش‌ها (چهارشنبه گذشته) زمانی شدت بیشتری گرفت که پنج نظامی تایلندی هنگام گشت‌زنی بر اثر انفجار مین مجروح شدند. مقام‌های تایلندی مدعی‌اند این مین‌ها به‌تازگی کار گذاشته شده‌اند؛ ادعایی که طرف مقابل آن را تکذیب کرده است. در پی این حادثه، تایلند گذرگاه‌های مرزی شمال‌شرقی را بست، سفیر کامبوج را اخراج کرد و سفیر خود را نیز فراخواند. کامبوج نیز در واکنش، سطح روابط دیپلماتیک با تایلند را به پایین‌ترین حد رساند و تمام کارکنان سفارت خود در بانکوک را فراخواند.

با این وجود چند ساعت پس از آنکه ترامپ گفت سران دو کشور تایلند و کامبوج برای دستیابی به آتش‌بس توافق کرده‌اند، دو کشور اعلام کردند که اوایل (یک‌شنبه) تیراندازی‌هایی در سراسر مرز بین نیروهای دو طرف اتفاق افتاده است که نشان از شکستگی آتش‌بس دارد.



مصوب شده بود که اگر دشمن تقاضای آتش‌بس بدون پیش‌شرط کرد، می‌پذیریم و این تصمیم کاملاً هوشمندانه‌ای بود و کاملاً از موضع قدرت بود». وی با تأکید بر اینکه تمامی مصوبات شورای عالی امنیت ملی به تأیید مقام معظم رهبری می‌رسد و بعد ابلاغ می‌شود، گفت: «ساعت ۱ صبح تماس گرفتند که از ساعت ۴ صبح اسرائیل آمادگی دارد که حملاتش را متوقف کند. واسطه این پیشنهاد کشورهای مختلفی بودند؛ من این موضوع را با جاهایی که باید چک کردم و بعد اعلام کردیم که آتش‌بس و توقف جنگ را هم قبول نداریم و فقط گفتیم اگر آنها نزنند، ما هم نمی‌زنیم».

به ویتکاف پیام دادم

وزیر خارجه در تشریح تحولات واپسین ساعات پیش از برقراری آتش‌بس گفت: «یک سوءتفاهم بین من و نیروهای



تشکیل کشور مستقل فلسطین چه خواهد شد، موضوعی است که فعلاً در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما در این خصوص ریاض منصور، نماینده دائم فلسطین در سازمان ملل به تشریح جزئیات کنفرانس بین‌المللی مربوط به راهکار دو دولتی پرداخته است. به گفته او این کنفرانس در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه در سطح وزرای خارجه با ریاست مشترک فرانسه و عربستان سعودی برگزار می‌شود و بخش دوم آن نیز قرار است در سطح سران کشورها در خلال نشست‌های سطح بالای مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، یا احتمالاً در پاریس در هفته پایانی سپتامبر آینده برگزار شود که یک دیپلمات فرانسوی نیز آن را تأیید کرده است. برگزاری این کنفرانس در دو بخش به‌دلیل تأخیر ناشی از جنگ اسرائیل علیه ایران که در بازه زمانی ۱۳ تا ۲۴ ژوئن گذشته رخ داد، صورت می‌گیرد و در اصل قرار بود این کنفرانس بین ۱۷ تا ۲۰ ژوئن (۲۷ تا ۳۱ خرداد) برگزار شود.

ریاض منصور که این اظهارات را در گفت‌وگو با روزنامه العربی الجدید در نیویورک مطرح کرده درباره اینکه آیا کشورهای اروپایی بزرگ گام‌هایی در جهت عدم تسلیح اسرائیل یا تحریم تجاری آن برمی‌دارند یا خیر، گفت که تجربه تاریخی نشان داده که در مواردی شبیه به وضعیت ما مانند مبارزه آفریقای جنوبی علیه نظام آپارتاید، اقدامات عملی ابتدا از سوی شماری از کشورهای آغاز شد که شجاعت سیاسی داشتند و بعداً کشورهای دیگر نیز با فشار افکار عمومی و تحولات سیاسی به آنها پیوستند. این روند در نهایت به موجی عظیم از اقدامات عملی علیه اسرائیل منجر شد و اکنون در آغاز این مرحله فرایند قرار داریم و آنچه اکنون انجام می‌شود، در کنفرانس پیش‌رو به نقطه عطفی تبدیل خواهد شد که کشورهای بیشتری را با خود همراه خواهد کرد.

خواهد بود. وزیر خارجه فرانسه همچنین گفت که این اقدام بخشی از یک طرح طولانی‌مدت میان فرانسه و عربستان سعودی قلمداد می‌شود. بارو با اشاره به این موضوع که برای نخستین بار، کشورهای عربی حماس را محکوم و خواستار خلع سلاح آن خواهند شد، گفت که این اقدام انزوی کامل حماس را تثبیت خواهد کرد و کشورهای اروپایی هم در پاسخ نیت خود برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین را اعلام خواهند کرد. رئیس‌دستگاه دیپلماسی فرانسه در بخشی از سخنان خود گفت که «نیمی از کشورهای اروپایی این اقدام را انجام داده‌اند و بقیه هم در حال بررسی آن هستند. نخست‌وزیر بریتانیا نیز نیت خود را برای این اقدام اعلام کرده است. آلمان در مرحله‌ای بعدی در حال بررسی آن است».

مانعی برای همکاری فرانسه و اسرائیل درباره ایران نیست

وزیر خارجه فرانسه همچنین در پاسخ به سوالی درباره واکنش مقامات اسرائیل به تصمیم فرانسه که مدعی شده‌اند به رسمیت شناختن فلسطین مستقل به تروریسم دامن می‌زند، گفت: «من از اسرائیل دعوت می‌کنم تا از این ابتکار فرانسه برای شکستن بن‌بست، بستن فصل جنگ و گشودن فصل صلح استفاده کند. به‌علاوه اختلاف نظر ما با اسرائیل در مورد شرایط صلح به هیچ‌وجه به همکاری نزدیک ما که مدت‌هاست در مورد تهدید وجودی اسرائیل، یعنی برنامه هسته‌ای ایران داشته‌ایم، آسیبی نمی‌زند. فرانسه نماینده خاص اسرائیل است و باقی خواهد ماند».

کنفرانس دو دولتی

اینکه خروجی مشارکت عربستان سعودی و فرانسه در مورد

وبترین: تازه‌های کتاب

آفات سلبریتی گرایی

فردین علیخواه در اینترنت ندارم پس نیستم به بررسی تأثیر پدیده‌های جدید در زندگی رومزه می‌پردازد



انسان بتواند از فشارهای اجتماعی و رقابت‌های بی‌امان برای «خاص بودن» رها نشود و با خود واقعی‌اش آرام گیرد. در مقابل، جستاری مانند «آشپزخانه، نمایشگاه مصرف‌گرایی» بررسی می‌کند چگونه حتی طراحی فضاهای داخلی منزل، به خصوص آشپزخانه، تحت‌تأثیر موج‌های مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی قرار گرفته‌اند و به نوعی وبترین مصرف بدل شده‌اند. در جستارهایی مانند «شاخ‌پای‌ها در حال تکثیرند» و «سلبریتی اصلاح‌گر، سلبریتی سوداگر»، علیخواه به پدیده‌های فرهنگی معاصر می‌پردازد و تأثیرات سلبریتی‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ نمایشی را مورد نقد قرار می‌دهد. این جستارها به خوبی نشان می‌دهند چگونه قدرت رسانه‌ای در دنیای امروز نه‌تنها شکل‌دهندهٔ نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی شده بلکه حتی وارد حوزه سیاست، خانواده و سبک زندگی هم شده است. جستار «آیا لنگه به لنگه‌پوشی بد است؟» نیز نمونه‌ای است از تحلیل ظاهراً ساده اما عمیق نویسنده از یک رفتار ظاهراً ناهنجار از منظر عرف اجتماعی. علیخواه با نگاه طنز و دقتی خود نشان می‌دهد چگونه هنجارها و برجسب‌ها دربارهٔ ظاهر افراد می‌توانند زمینه‌ساز طرد اجتماعی یا برعکس، کنش‌ی آگاهانه برای نقد همین هنجارها شوند. مسائلی همچون بی‌حوصلگی، شتاب‌زدگی در جامعه، دور شدن از طبیعت و حتی حسرت لمس آجرهای کهنه- که نماد نوستالژی و خاطره‌اند- نیز در جستارهایی مانند «چرا بی‌حوصله شدن خوب است؟»، «جامعه شتابان» و «وقتی آجرهای کهنه عزیز می‌شوند» بشکلی احساسی و در عین حال تحلیلی بازتاب یافته‌اند. نویسنده در جستارهایی مانند «نسلی که حرف‌گوش‌کن نیست»، «از سفر برمی‌گردند ولی چمدان می‌بندند» و «کودکانی که بازیشان کار است ولی کارشان بازی نیست» به تغییرات نسلی، تحولات در سبک تربیتی و دگرگونی‌های نگرشی در خانواده ایرانی پرداخته و به‌گونه‌ای واقع‌بینانه و بدون قضاوت‌های کلیشه‌ای، خواننده را با لایه‌های پنهان این تحولات آشنا می‌کند. کتاب همچنین به بحران‌ها و تجربه‌های جمعی جامعه ایرانی نیز می‌پردازد؛ از تجربه پاندمی کرونا در «جامعه‌راسی پس از کرونا» گرفته تا تراژدی‌های انسانی در جستار «سه دلار برای هر مرگ» که کنایه‌ای است به ارزش‌گذاری انسانی در مناسبات اقتصادی و سیاسی.

در مجموع، «اینترنت ندارم، پس نیستم» اثری است که پلی بین جامعه‌شناسی و زندگی واقعی مردم می‌سازد. کتابی که می‌خواهد نشان دهد، جامعه‌شناسی تنها در دانشگاه و مقاله نیست بلکه می‌توان آن را در لنگه به لنگه پوشیدن، در میز غذا چیدن در جنگل، در بازگشت از سفر و... یافت.



اینترنت ندارم پس نیستم

جستارهایی درباره

روزمرگی‌ها

فردین علیخواه

انتشارات روزنه

۱۵۸ صفحه

۲۴۵ هزار تومان

مدیریت کوتاه‌مدت

مرور خاطرات اولین کنسرت‌های پس از انقلاب و انتقاد به ساختار مدیریتی موسیقی در نشست مدیران فعلی و پیشین موسیقی

به آن دادند.» رضایی با ذکر نام مدیران پیشین از محمد میرزمانی، محمدعلی خبری، شجاع‌الدین میرطاووسی، احمد صدری، پیروز ارجمند و سایر همراهان فرهنگی قدردانی کرد و گفت: «همیشه نام جناب میرطاووسی را با احترام شنیده‌ایم و خوشحالیم که امروز در جمع ما هستند. از آقای صدری هم صمیمانه تشکر می‌کنیم که سه ماه مسئولیت سنگین دفتر موسیقی را در دوره انتقال برعهده داشتند به‌ویژه در ایام برگزاری جشنوارهٔ چهارم موسیقی فجر. امیدوارم این جلسات تداوم داشته باشد و یک گروه مجازی نیز برای هم‌فکری و تبادل نظر میان ما شکل بگیرد. از همین جا قول می‌گیرم که حتی در ایام پرکار دفتر موسیقی، این ارتباط را حفظ کنیم چراکه به محبت، حمایت و همراهی شما نیاز دارم.» بابک رضایی در انتهای سخنان خود گفت: «مشکلات حوزهٔ موسیقی کاملاً ملموس‌اند. برای ارتقای وزن این حوزه، امیدوارم با بهرمندی از پتانسیل مدیریتی بالای شما عزیزان بتوانیم، گام‌های مؤثری در مسیر پیشرفت موسیقی کشور برداریم.»

از کنسرت انقلابی تا آواز شجریان

شجاع‌الدین میرطاووسی با اشاره به خاطرات خود از سال‌های ابتدایی انقلاب گفت: «اولین کنسرت پس از انقلاب را با زحمت فراوان در سالن رودکی برگزار کردیم و مجوزش را گرفتیم. سرودهایی نظیر «ای ساریان» و «مرگ بر آمریکا» در آن پخش شد. بلیت‌ها را به همکاران‌مان در وزارت ارشاد می‌دادیم و تلویزیون آن را ضبط و پخش کرد. بعدها کم‌کم آواز شجریان به همراه نی در کنسرت‌ها شنیده شد و مردم استقبال کردند. شرایط آن دوران بسیار سخت بود و با چالش‌های متعدد روبه‌رو بودیم؛ اما پایه‌گذاری فعالیت‌های موسیقی در فضای رسمی کشور در همان زمان انجام شد.»

نشست هم‌اندیشی «روایت تجربه» با حضور مدیران پیشین دفتر موسیقی و مسئولان فعلی برگزار شد؛ نشستی که در آن از خاطرات اولین کنسرت‌های پس از انقلاب تا انتقادات به ساختار مدیریتی موسیقی کشور و تأکید بر حفظ ارتباط با تجربه‌های پیشین مطرح شد. این نشست با حضور بابک رضایی (مدیرکل دفتر موسیقی)، مریم نقیعی (معاون دفتر موسیقی)، اسحاق شکری (مدیرعامل انجمن موسیقی ایران)، شجاع‌الدین میرطاووسی، محمد میرزمانی، محمدعلی خبری، احمد صدری، طه حجازی و پیروز ارجمند در دفتر موسیقی برگزار شد.

میانگین مدیریتی دو تا سه سال

بابک رضایی، مدیرکل دفتر موسیقی در این نشست با ابراز خوشحالی از تحقق یکی از آرزوهای قدیمی‌اش بر لزوم بهره‌برداری از تجربه مدیران پیشین در مسیر توسعه موسیقی کشور تأکید کرد و گفت: «مدیریت فرهنگی در جمهوری اسلامی یک مدیریت نامتقارن و با همه جای دنیا متفاوت است؛ با مشکلات و مسائلی روبه‌رو هستیم که در هیچ کتاب مدیریتی دربارهٔ آن چیزی نوشته نشده بنابراین تنها کسانی که این مسیر را طی کرده‌اند، می‌توانند دربارهٔ آن راهنمایی و تدریس کنند.» او اشاره به این‌که از ابتدای انقلاب تاکنون ۱۹ نفر مدیریت دفتر موسیقی را برعهده داشته‌اند، گفت: «اگر این عدد را در طول ۴۶ سال تقسیم کنیم، میانگین مدیریتی به حدود دو تا سه سال می‌رسد؛ این برای حوزه‌ای که با چالش‌ها و حساسیت‌های جدی روبه‌روست، نگران‌کننده است. این نشان می‌دهد، نمی‌توان چندان به این جایگاه امیدوار بود و باید با درک محدودیت زمان از فرصت‌ها بیشترین بهره را برد. خدا رحمت کند آقای مرادخانی را که با حضور بلندمدت خود در مدیریت فرهنگی، معنا و تداوم

دیدگاه: یادداشت روز

یک پایان تلخ

داستان عاشقانه و تاریخی تاسیان نه منطقی و نه واقعی بود

پایانی دوره پهلوی. در هیچ‌یک از این دو سریال تلاش نکرد عین به عین تاریخ را به نمایش درآورد و تفسیر و برداشت خود از مقاطع تاریخ در قالب قصه‌ای عاشقانه را به تصویر درآورد. همین اتفاق هم محل ایراداتی به داستان هر دو سریال شد. در «تاسیان» چگونگی جمله اتفاقاتی بود که محل ایراد فراوانی شد و بسیاری آن را گاف بزرگ این مجموعه می‌دانستند. اما پاکروان که خود را نه یک مورخ بلکه کارگردان می‌داند، خود را ملزم به پاسخ به این ایراد ندانست.

اما «تاسیان» پاکروان فارغ از بحث تاریخ، قصد دارد داستانی عاشقانه رومئو و ژولیتی ایرانی را به تصویر بکشد. عاشق‌پیشگانی



گلاویز نادری

دبیر گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

«تاسیان» با پایانی تلخ به انتها رسید. پایانی که در آن دو شخصیت اصلی کشته شدند و به فرجامی مشابه هم دست پیدا کردند. این سریال دومین تجربه تینا پاکروان در شبکه نمایش خانگی است که داستانش را در مقطعی از تاریخ ایران روایت می‌کند. سریال‌های پاکروان در این شبکه از این حیث که در بستری تاریخی روایت می‌شوند با هم اشتراک دارند. هر دو داستانی عاشقانه را در بستر تاریخ روایت می‌کنند که زمان و مکان روی دادن قصه، تأثیر زیادی بر سرنوشت شخصیت‌ها دارد. «خاتون» و «تاسیان» هر دو از سیاست در دو مقطع تاریخی تأثیر می‌گیرند و بیراه نیست اگر سیاست را در هر دو داستان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده مسیر قصه بدانیم. پاکروان در هر دو سریال خود، سیاست را به عنوان یک از وزنه‌های مهم داستان تعریف کرده و قصه‌اش را در شرایط سیاسی و اجتماعی مربوط به دوره‌ای از تاریخ به تصویر می‌کشد. او تاریخ را آن‌طور که خود می‌خواهد، روایت می‌کند نه لزوماً آن‌طور که اتفاق افتاده و برداشتش از وقایع تاریخی را طوری با قصه خود می‌آمیزد که واقعی نیست؛ اما از نظر او مهم این است که قصه‌اش چطور روایت شود و از لرومی به بازسازی دقیق تاریخ نمی‌بیند. از این روست که تفاوت‌های ماهوی میان هرچه که او در داستانش به تصویر کشیده با آنچه در واقعیت رخ داده، وجود دارد.

در واقع او نه به عنوان یک مورخ بلکه به عنوان فیلمساز، داستانی را جلو دوربین می‌برد که می‌تواند مابه‌ازای تاریخی داشته و یا نداشته باشد و آنچه خود از تاریخ در یک دوره دریافت کرده را به تصویر درمی‌آورد. به همین دلیل شخصیت‌هایش پیش از اینکه واقعی و مستند باشد، ساخته و پرداخته ذهن و برداشت او از آن مقطع تاریخی هستند. او «خاتون» را با رجوع به خاطرات و زندگی مادر بزرگ خود ساخت و «تاسیان» را از خاطرات و برداشت خود از سال‌های





چپ هرگز نفهمید

را از دست دادند، اگرچه انقلاب و آینده ایران را به دست آوردند. سریال نشان می‌دهد این خانواده‌ها حتی بعدها نیز به رغم به دست گرفتن حکومت حتی در درون خود هم نمی‌توانستند به گفت‌وگو برسند. این را در سال‌های بعد نیز در صحنه سیاست ایران دیدیم که دو جناح راست (محافظه‌کار/ اصولگرا) و چپ (اصلاح‌طلبان/ تکنوکرات‌ها) چگونه به اختلاف رسیدند و نتوانستند زیر یک سقف مشکلاتشان را حل کنند. به وجود آمدن بحران‌های پی‌درپی در کشور و اختلاف سلیقه نسل اول و دوم انقلاب و جناح‌های مختلف، گره‌های بزرگی در کشور انداخت که بسیاری از آنها هنوز باز نشده است.

طبقه‌ای که ساخت

جمشید نجات، قلب تپنده تاسیان است. کارخانه‌دار، عاشق، و وطن‌دوست. نه فاسد است، نه حقوق دیگران را پایمال می‌کند. بسوززای تکنوکراتی که راه برابری و عدالت را «توسعه» و آبادانی می‌داند و معتقد است با تولید، می‌توان به حقوق کارگران دست یافت. او می‌سازد، تولید می‌کند، فرصت می‌آفریند اما در نهایت؟ همه چیزش را چپ‌ها و کارگرانی که تحت القانات چپ هستند از بین می‌برند و می‌سوزانند. آن آتشی که در قسمت آخر دیدیم، آتش جهل چپ‌ها بود که به دست کارگران روشن شد. چپ‌ها بیش از آنکه قائل به «تولید» باشند، به «تحریک» علاقه دارند و با این رفتار، سرمایه ملی را در هر زمانی، چه انسانی، چه صنعتی در آتش شعار سوزانند. شیرین نجات، دختر جمشید نیز که نمادی از زنان روز جامعه بود، نقطه تقاطع این سه طبقه قرار می‌گیرد. در دل یک خانواده‌ی صنعتی است اما عاشق پسری از طبقه دیگر می‌شود و هم‌زمان در معرض گفتمان چپ دانشگاهی قرار دارد. او نماد نسلی است که می‌خواست عقل را جایگزین نفرت کند اما قربانی همان نفرت شد. می‌خواست عاشق باشد، مستقل باشد، و بفهمد اما همان روشنفکر بیمار چپ‌زده‌ای که دوستش بود و برای آزادی شعار می‌داد، او را زیر پای ایدئولوژی خودش از بین برد و جانش را گرفت. مرگ او، مرگ آینده جمشید نجات هم بود. پدری که جانش به جان دخترش بسته شده بود. سریال بسیار تلخ تمام شد. با ویرانی صنعت، مرگ عشق و آتش پایان یافت تا پیامش این باشد که هر تحولی خواسته‌خواه، چنین هزینه‌هایی دارد.

سریال می‌گوید اگرچه طبقه‌ی مرفه و کارآفرین نابود شد اما دو طبقه دیگر ماندند؛ چپ‌های بیمار که رجب‌زاده نماد عینی آن‌هاست، و مذهبی‌ها که بعدها هدایت انقلاب را به دست گرفتند. این دو گروه از آن آتش عبور کردند. چپ‌ها به دشمنی خود با وطن ادامه دادند، و خانواده‌های سنتی و مذهبی، با تمام تضادهای درونی‌شان، با همه‌ی خطاهای تاکتیکی‌شان، کشور را حفظ کردند. طبقه‌ای که نه در توهمات مارکسیستی غرق بود، نه در خیالات توخالی مدرنیته وارداتی. آنها اگر اشتباه هم کردند، اشتباهشان از دل مردم بود، نه با دیکته بیرونی.

در پایان تاسیان، ما چیزی بیشتر از مرگ یک دختر و سوختن یک کارخانه می‌بینیم. خیانت کردن روشنفکران را می‌بینیم و فریب خوردن کارگران را. چپ نفهمید و هنوز نمی‌فهمد اما طبقه مذهبی با همه تضادها و ضعف‌ها ماند، ایستاد، از وطن در مقابل جنگ مسلحانه داخلی و تجاوز خارجی دفاع کرد و نسلی از تکنوکرات‌ها را به میدان فرستاد تا کشور را دوباره بسازند. آنها شاید همه چیز را درست انجام ندادند اما یک کار را کردند؛ وطن را ن فروختند. و در تاریخ، گاهی همین یک کار، کافی است برای ماندن.

نماد کارآفرینان صنعتی و وطن‌دوست، جمشید نجات بود. نماد مذهبی‌های سنتی بازار و جنوب شهر، خانواده امیر بود که الهام‌بخشان افکار دکتر علی شریعتی بود و نماد روشنفکران بیمار و چپ‌زده دانشگاهی، رجب‌زاده استاد دانشگاه و دانشجویان مارکسیست بودند. درواقع اینها سه ستون لرزان جامعه بحرانی دهه ۵۰ بودند که در تاسیان زیر ذربین قرار می‌گیرند. هرکدام با ویژگی‌های خود، با شکست‌های خود و البته با اشتباهات خود.

چپ‌ها و توزیع نفر

روشنفکران چپ‌زده، نه محصول نهادهای آموزش عالی بودند که محصول سفارت شوروی بودند. آنها به‌جای تولید فکر به کارخانه توزیع نفرت تبدیل شده بودند. چپ ایرانی در تاسیان فقط تحلیل‌گر بد نیست، او تحلیل‌گری را کلاً کنار گذاشته و به جادوی شعار پناه برده است. روش‌شان همان بود که لنین گفته بود: حذف، تخریب، ترور فکری.

دانشجویان چپ تاسیان، نسخه‌ای از همان نسلی هستند که به‌جای گفت‌وگو، سنگ پرتاب می‌کردند، به‌جای اندیشه، انگ می‌زدند و به‌جای ساختن، تخریب را فضیلت می‌دانستند. آنها خود را منتهی می‌دانستند اما جامعه را قربانی کردند. نه تاریخ را خواندند، نه آینده را می‌توانستند، پیش‌بینی کنند. آنها به نام برابری، خاکستر سوخته کارخانه‌ها را تحویل مردم دادند. آنها هم اشتباه کردند و هم اصرار داشتند که اشتباهشان، حقیقت است! تاسیان این را با دقت نشان می‌دهد: دانشجویانی که گمان می‌کردند، حقیقت را در دست دارند فقط اسیر تبلیغات بیرونی و چپ‌های توده‌ای بودند. زیرا اساتیدی چون رجب‌زاده داشتند که درواقع مأمور آموزش ناآگاهی بود. جاسوس روس در دانشگاه و مهندس ایدئولوژی مخرب. سریال یک مفهوم طلایی را نیز به ما یادآوری می‌کند که چپ هرگز نفهمید و نمی‌فهمد. آنها حتی حالا پس از ۴۵ سال از انقلاب هنوز در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و برخی از تریبون‌ها، در حال تجویز همان نسخه شکست‌خورده هستند.

پدران و پسران

خانواده امیر، نماینده طبقه‌ای است که سال‌ها در بازار، در مساجد و هیأت‌ها علیه رژیم مبارزه کرد. در سریال، نقش مبارزاتی این گروه چندان برجسته نشده اما آنها به شدت تحت تأثیر امام و مبارزات ایشان بودند و خوراک فکری‌شان را دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد تهیه می‌کرد.

آنچه در این سریال از این طبقه می‌بینیم، زنانی هستند خانه‌نشین که در پستو یا گری می‌کنند یا دست بر دعا دارند. زنانی که کنش ندارند. تسلیم محض هستند اما مردان آنها که به دنبال تغییر رژیم‌اند. تاسیان یک حقیقت مهم را در دل این خانواده افشا می‌کند: «شکاف نسلی».

پدران یا پسران اختلاف دارند با می‌خواهند پسران سرسپرده پدر باشند، پدر امیر، نسبتی با افکار و اندیشه‌های امیر ندارد. پسرش روشنفکر است. کتاب می‌خواند. اعلامیه‌ها را چاپ می‌کند اما به سنت پدر نیز اعتقادی ندارد. مبارزه او، همان مبارزه سنتی است اما برای بدست آوردن عشق، نه حکومت.

پدر و برادر امیر اما به دنبال براندازی هستند. آنها از نسل بازاری‌هایی هستند که سستون مالی انقلاب شدند. اما فرزندان خانواده او؟ یکی چپ انقلابی می‌شود و دیگری برای رسیدن به عشقش به ساواک نزدیک می‌شود! خانواده امیر، استعاره‌ای است از طبقه‌ای که تصور می‌کرد با سقوط سلطنت، یکپارچه می‌شود اما چنین نشد. آنها نیز مانند جمشید نجات، فرزندان خود



کوتاه‌ترین دوره مدیریتی

احمد صدری نیز با اشاره به کوتاه‌ترین دوره مدیریتش در دفتر موسیقی گفت: «از مخاطبان قدیمی موسیقی‌ام و سابقه‌ام به دوره‌های فجر و صف‌های طولانی بلیت برمی‌گردد. بعدها به تحریریه مجله «آهنگ» پیوستم و در حوزه موسیقی نواحی به‌صورت تخصصی فعالیت کردم.»

پیروز ارجمند از دیگر مدیران قبلی دفتر موسیقی در این نشست گفت: «در شرایط فعلی حتی اگر وزارت ارشاد در حوزه موسیقی تعطیل شود شاید امور راحت‌تر هم پیش برود. اما وظیفه ماست که به آقای رضایی کمک کنیم. باید به فکر درآمدزایی برای هنرمندان، ساخت تالارهای بزرگ، ایجاد مکتب‌خانه‌های موسیقی و مشارکت در تولید باشیم. جایگاه مردم به‌عنوان ضلع مهم مثلث مردم-دولت-هنرمند باید بیشتر دیده شود. خلأ در پخش و توزیع آثار کلاسیک هم باید جدی گرفته شود.»

بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان این نشست عنوان کرد: «مشکلات حوزه موسیقی کاملاً ملموس هستند. برای ارتقای وزن این حوزه، امیدوارم با بهرمندی از پتانسیل مدیریتی بالای شما عزیزان بتوانیم گام‌های مؤثری در مسیر پیشرفت موسیقی کشور برداریم.»

انتقاد به ساختار مدیریتی موسیقی

محمدعلی خبری در این نشست گفت: «در سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ دفتر موسیقی با چالش‌های جدی مواجه بود. از سال ۸۷ تا امروز تنها در حوزه نمایش ۱۲ مدیر عوض شده‌اند. نبود آرشپو تخصصی در موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی باعث شده هر مدیر از صفر شروع کند. محمد میرزمانی هم ضمن تمجید از برنامه‌های رضایی در حوزه موسیقی گفت: «ایشان ایده‌های خوبی دارند؛ از جشنواره‌های «عدالت» و «مقاومت» گرفته تا اکسپوهای که سال‌ها نظیرش نبود. هم چنین راه‌اندازی «خیمه هنر» از جمله طرح‌هایی بود که انعکاس خوبی در جامعه هنری داشت. بودجه دفتر موسیقی باید بودجه صیانت از موسیقی باشد، نه صرفاً مصرف جاری. امروزه موسیقی در دست بازار است. باید تشکیلات را به‌روز کنیم و بخش تولید را فعال کنیم. اگر تولید انجام نشود، موسیقی از بین می‌رود.»

عشقی که به هنر داریم

طه حجازی سخنران بعدی در این نشست گفت: «هنرمند واقعی کسی است که عاشقانه در مسیر بماند حتی اگر زخمی باشد. این جلسه که به همت جناب رضایی برگزار شده، کار پسندیده‌ای است و امیدوارم در آینده با هدف‌مندی بیشتر برگزار شود.»

میانه همه به کمک امیر می‌آیند از رفیق بچگی‌اش که ساواکی شده تا برادر دانشجویش که سیاسی شده تا خانواده و حتی عمه و دختر عمه معشوقش. اما امیر همه آنها را قربانی می‌کند و دست آخر خود هم در این آتشی که به پا می‌کند، گرفتار می‌آید.

آتشی که برافروختن آن نه تنها منطقی بلکه حتی دور از ذهن است. او در «تاسیان» گاهی به عنوان قدرتمندترین آنتاگونیست و ضدقهرمان ظاهر می‌شود و چنان زیرپای خود را خالی می‌کند که نیازی به دشمن ندارد. با اینکه کارگران کارخانه او را تا حد مرگ کتک زدند و می‌داند آنها چیزی جز زور و پول نمی‌شناسند برای کمک گرفتن از آنها خود را وارد معرکه‌ای می‌کند که معلوم است، راه نجاتی از آن وجود ندارد. در واقع او بیش از اینکه به شیرین بیندیشد به اینکه او را برای خود نگه دارد، فکر می‌کند که این از رسم و رسوم عاشقی به دور است. از همین جاست که داستان عاشقی در «تاسیان» رنگ می‌یازد و تماشاگر دیگر آن همه تصاویر خوش رنگ و لعاب و پر از سبز و گل را باور نمی‌کند و به دلش نمی‌نشیند. در مقابل او البته دشمنی‌هایی هم وجود دارد که که معلوم نیست چطور به یک‌باره تبدیل به نفرت و خشونت می‌شود! اینکه چطور دوست و همراه بچگی‌هایش که همه چیز را برای رسیدن به معشوق برای او مهیا می‌کند، ناگهان تبدیل به دشمن سرسخت و کینه‌توزی می‌شود که می‌خواهد، او و خانواده‌اش را به فنا دهد، یا دخترخاله‌ای که به پای او نشسته و با همه شناختش از سعید و بلاهایی که او بر سر خانواده آورده به او برای برگرداندن امیر متوسل می‌شود و دوری و فراری شدن شیرین از امیر و بازگشت ناگهانی و دوباره او به امیر از گره‌هایی بود که پیشتر تماشاگر را گیج و مبهوت می‌کرد تا اینکه مسیر داستان را قابل باور سازد. در نهایت هم پاکروان با تاسی از داستان رمبو و ژولیت این دو را در کنار هم فدا می‌کند تا نشان دهد، نتیجه چنین عشقی جز نابودی نخواهد بود و دودمان همه را به باد خواهد داد.

در واقع «تاسیان» همان‌گونه که در میانه گاهی غیرقابل‌باور و تعلیق‌هایش مایه بهت و تعجب می‌شد، در پایان هم تماشاگر را دچار حیرت کرد و تلخ‌ترین عاقبت را برای شخصیت‌هایش رقم زد. این‌طور که به نظر می‌رسد، حذف شخصیت‌ها راحت‌ترین کار برای به سرانجام رسیدن یک داستان است و پاکروان هم مانند چند کارگردان سریال‌ساز دیگر، مرگ را برای شخصیت‌های اصلی‌اش برگزید بدون اینکه به همراهی و پذیرش تماشاگر از این داستان کاری داشته باشد. درست همان‌طور که تاریخ را در سریالش به نمایش گذاشت، شخصیت‌هایش را هم به عاقبتی دچار کرد که نه خیلی واقعی به نظر می‌رسید و نه حتی منطقی.

که در نهایت در کنار هم قربانی می‌شوند و عشق، اصلی‌ترین دلیل فدا شدن آنهاست. اما این عشق از ابتدا آن‌طور که لازمه یک داستان عاشقانه است به نمایش در نمی‌آید. تماشاگر از ابتدا میان عشق و هوس امیر معلق می‌ماند. امیر آنقدر که باید عاشق نیست و بازی شکیباییک عاشق پیشه را تداعی نمی‌کند. او انگار تنها در پی به‌دست آوردن دختری است که به او علاقمند شده و در طول این عاشقیت، صاحب شدن و سلطه بر معشوق بیش از دوست داشتن و عشق ورزیدن به چشم می‌آید. انگار امیر می‌خواهد هر طور شده شیرین را تصاحب کند، حتی اگر این تصاحب به قیمت از بین رفتن رفیق، خانواده و اطرافیان‌شان باشد. به همین خاطر است که دست به هر کار می‌زند. از گذاشتن اعلامیه‌ها در کارخانه که به قیمت از بین رفتن پدر مریم تمام می‌شود تا کشته شدن سعید و نابودی کارخانه و خانواده شیرین و اینها با همه داستان‌های عاشقانه معمول و مالوف تفاوت دارد. چراکه عاشقان در واقع خود و زندگی و حیات‌شان را به پای عشق می‌ریزند نه اینکه عاملی برای گرفتن همه اینها از معشوق و اطرافیان‌شان باشند. به همین دلیل است که تماشاگر با اینکه تصور می‌کند، داستانی عاشقانه را دنبال خواهد کرد اما در واقع داستانی خشونت‌آمیز از تصاحب دختر به دست پسری را شاهد است. در این



دیدگاه: یادداشت روز

مخالفت روشنفکران با کاپیتالیسم

چرا روشنفکران علیه سرمایه‌داری موضع می‌گیرند؟

مهتا معرفت

مترجم

مخالفت روشنفکران با کاپیتالیسم پدیده‌ای قابل تأمل است زیرا سایر گروه‌های اجتماعی – اقتصادی مشابه چنین سطحی از تعارض را نشان نمی‌دهند. این در حالی است که روشنفکران در جوامع سرمایه‌داری از شرایط مطلوبی برخوردارند: آنها آزادند ایده‌های نو خلق و منتشر کنند، مطالعه کنند و در مباحثات شرکت جویند. مهارت‌های حرفه‌ای‌شان مورد تقاضاست و درآمدشان عموماً بالاتر از میانگین جامعه است. با این حال، مخالفت روشنفکران با کاپیتالیسم از آن جهت اهمیت دارد که آنها نقش کلیدی در شکل‌دهی ایده‌ها و تصورات جامعه ایفا می‌کنند. به باور رابرت نوزیک، فیلسوف فقید دانشگاه هاروارد، ریشه تنفر روشنفکران چپ از کاپیتالیسم به تفاوت در معیارهای ارزش‌گذاری در دو نظام دانشگاه و جامعه سرمایه‌داری بازمی‌گردد. منظور نوزیک از روشنفکران، افرادی هستند که حرفه‌شان با ایده‌ها و کلمات گره خورده است مانند شاعران، نویسندگان، منتقدان ادبی، روزنامه‌نگاران، و بسیاری از اساتید دانشگاه که عمدتاً در محیط‌های دانشگاهی، رسانه‌ای، یا نهادهای دولتی فعالیت می‌کنند. روشنفکران انتظار دارند در جامعه از جایگاه والا، پرستیژ و قدرت برخوردار باشند. آنها خود را ارزشمندترین و شایسته‌ترین افراد جامعه می‌دانند و معتقدند که جامعه باید پادشاه‌ها را بر اساس شایستگی و ارزش توزیع کند. اما نظام سرمایه‌داری به روشنفکران چنین اعتباری نمی‌بخشد و اصل توزیع مبتنی بر شایستگی را به شکلی که آنها انتظار دارند، برآورده نمی‌کند. در این نظام، پادشاه‌ها بر اساس تقاضای بازار و ارزش اقتصادی تعیین می‌شود. برخلاف تجار یا کارگرانی که در بازار موفق نیستند، روشنفکران به دلیل حس خودبرتربینی، احساس می‌کنند بازار به آنها خیانت کرده و همین امر عداوت آنها را نسبت به کاپیتالیسم برمی‌انگیزد.

چرا روشنفکران خود را برتر می‌دانند و از توزیع مبتنی بر شایستگی حمایت می‌کنند؟

با افزایش اهمیت دانش مکتوب، نظام آموزش مدرسه‌ای گسترش یافت و به نهادی کلیدی در شکل‌دهی دیدگاه افراد، پس از خانواده، تبدیل شد. تقریباً همه روشنفکران از مسیر آموزش مدرسه‌ای گذشته‌اند. آنها در مدرسه موفق بودند، در مقایسه با همسالان خود برتر شناخته شدند، تشویق شدند، پادش در یافت کردند و مورد توجه معلمان قرار گرفتند. چگونه ممکن بود خود را برتر ندانند، در حالی که نظام آموزشی به آنها آموخت که شایسته‌ترین‌اند؟ مدرسه به آنها اصل پادش بر اساس شایستگی را القا کرد. اما بازار درس دیگری می‌آموزد. در نظام بازار، بالاترین پادش‌ها به کسانی تعلق نمی‌گیرد که مهارت‌های بیانی برتری دارند یا از توانمندی‌های روشنفکری برخوردارند. این تناقض میان انتظارات شکل‌گرفته در مدرسه و واقعیت بازار، حس سرخوردگی روشنفکران را برمی‌انگیزد. آنها معتقدند که جامعه کاپیتالیستی آنها را از پاداشی که شایسته‌اش هستند، محروم کرده است. این محرومیت نه‌تنها به پادش‌های مادی مانند ثروت و مقام محدود نمی‌شود بلکه به این واقعیت نیز مربوط است که جامعه فعالیت‌های روشنفکری را ارزشمندترین نمی‌داند. این امر به نوبه خود حس تنفر آنها را نسبت به کاپیتالیسم تشدید می‌کند.

روشنفکران آرزو دارند که کل جامعه مانند مدرسه‌ای باشد که در آن موفق و مورد تقدیر بودند. نظام آموزشی با ایجاد معیار پاداش‌دهی متفاوت از جامعه، باعث شد برخی از دانش‌آموزان ممتاز بعدها در دنیای واقعی با کاهش جایگاه خود مواجه شوند. آنها که در مدرسه در رتبه‌های برتر قرار داشتند، اکنون خود را شایسته بالاترین مقام‌ها در جامعه می‌دانند. وقتی جامعه نتواند انتظارات آنها را برآورده کند، حس نفرت در آنها شکل می‌گیرد. به این ترتیب، می‌توان گفت که نظام آموزشی زمینه‌ساز احساسات ضدکاپیتالیستی در میان روشنفکران است. از سوی دیگر، روشنفکران در نظام رسمی مدرسه که پادش‌ها توسط مرجع مرکزی (معلم) توزیع می‌شود، موفق بوده‌اند. بنابراین تعجبی ندارد که توزیع سازمان‌یافته و مرکزی پادش‌ها و کالاها (مانند آنچه در سوسیالیسم دیده می‌شود) برای آنها جذاب‌تر از آشوب ظاهری بازار باشد. در جامعه‌ای که کودکان از طریق نظام آموزشی غیرخانوادگی با هنجار پادش بر اساس شایستگی آشنا می‌شوند، انتظار دارند جامعه نیز بر همین اساس با آنها رفتار کند. بر اساس فرضیه نوزیک، گسست میان موفقیت در مدرسه و درآمد در بازار، حس سرخوردگی و مخالفت با نظام بازار را تقویت می‌کند.

شمارش معکوس طرح جنجالی

طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی چه گرهی از اقتصاد ایران باز می‌کند؟

نظیر مالیات بر خانه‌های خالی، که تنها ۰/۸ درصد از هدف مالیاتی خود را محقق کرد، نشان‌دهنده چالش‌های اجرایی است. علاوه بر این، برخی معتقدند این طرح در صورت تبدیل شدن به منبع درآمد دولت، ممکن است به جای بازدارندگی به رسمی‌سازی سوداگری منجر شود.

در مجموع، موفقیت این طرح به نحوه اجرا، شفافیت در تعاریف و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای جذب سرمایه به بخش‌های مولد بستگی دارد. در صورت اجرای دقیق می‌تواند، گامی در جهت عدالت اقتصادی و کاهش التهابات بازار باشد اما بدون اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان، اثرات آن احتمالاً کوتاه‌مدت و محدود خواهد بود.

پرسش مهم در این زمینه این است که چرا نظام حکمرانی به جای اصلاحات ساختاری، چنین طرح‌هایی را تصویب می‌کند؟

اقتصاددانان می‌گویند؛ اصلاحات ساختاری نظیر کنترل نقدینگی، اصلاح نظام یارانه‌ها، کاهش کسری بودجه، یا ایجاد ثبات ارزی معمولاً پیچیده، زمانبر و با مقاومت‌های سیاسی و اجتماعی گسترده مواجه است. این اصلاحات نیازمند هماهنگی بین نهادهای مختلف، اجماع نخبگان و تحمل هزینه‌های

کوتاه‌مدت اقتصادی و اجتماعی است که ممکن است برای نظام حکمرانی، به‌ویژه در شرایط ناپایداری اقتصادی، ریسک بالایی به همراه داشته باشد. در مقابل، طرح‌هایی مانند مالیات بر سوداگری، به دلیل ماهیت هدفمند و محدودتر، ساده‌تر به نظر می‌رسند و می‌توانند به‌عنوان اقداماتی نمایشی یا کم‌هزینه برای نشان دادن تلاش حکمرانی در جهت عدالت اقتصادی و کنترل التهابات بازار مطرح شوند حتی اگر اثربخشی آنها محدود باشد.

همچنین نظام حکمرانی ممکن است به دلیل فشارهای مالی و نیاز به منابع درآمدی جدید به چنین طرح‌هایی متمایل شود. در شرایطی که کسری بودجه مزمن است و تحریم‌ها دسترسی به درآمدهای نفتی را محدود کرده، مالیات بر سوداگری می‌تواند به‌عنوان منبعی برای تأمین مالی دولت جذاب باشد، هرچند تجربه نشان داده که درآمدهای پیش‌بینی شده از این طرح‌ها اغلب محقق نمی‌شود.

علاوه بر این، ملاحظات سیاسی و اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. طرح‌هایی مانند مالیات بر سوداگری، که ظاهراً گروه‌های محدودی از سودگران را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای جلب رضایت عمومی و نمایش تعهد به عدالت اقتصادی استفاده شوند، در حالی که اصلاحات ساختاری ممکن است با مقاومت اقشار مختلف از جمله ذی‌نفعان وضع موجود، مواجه شود.

رسمی‌تر نهادهیته کرده و به منبع درآمدی برای دولت تبدیل شود، بدون آنکه اثر قابل‌توجهی بر ثبات بازارها داشته باشد. اقتصاددانان مخالف، اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان را مقدم بر چنین طرح‌هایی می‌دانند. آنها بر ضرورت کنترل نقدینگی، کاهش کسری بودجه از طریق اصلاح یارانه‌ها و هزینه‌های دولت، تقویت سیاست‌های پولی برای مهار تورم، و ایجاد ثبات ارزی تأکید دارند. همچنین، توسعه زیرساخت‌های مالیاتی مانند پایگاه داده جامع اموال و دارایی‌ها، بهبود شفافیت اقتصادی، و تقویت بازار سرمایه به‌عنوان کانال جذب سرمایه‌های مولد، از



اولویت‌های پیشنهادی است. به اعتقاد این گروه، بدون این اصلاحات، طرح‌هایی مانند مالیات بر سوداگری تنها به‌عنوان اقدامات سطحی عمل کرده و نمی‌توانند به بهبود پایدار اقتصاد منجر شوند.

موافقان نیز می‌گویند این قانون می‌تواند با کاهش تقاضای سوداگران، نوسان‌های قیمتی در بازارها را مهار کرده و از تبدیل دارایی‌های مصرفی به ابزارهای سرمایه‌ای جلوگیری کند. همچنین هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد نظیر تولید و بورس که از معافیت‌های مالیاتی برخوردارند، می‌تواند به رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی کمک کند. با بهره‌گیری از اصول اقتصاد رفتاری، این طرح رفتارهای اقتصادی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت سوق داده و از تصمیم‌گیری‌های هیجانی و زیان‌بار برای اقتصاد کلان جلوگیری می‌کند.

با این حال، برخی ناظران، نگرانی‌هایی را نیز مطرح کرده‌اند. در شرایط تورم مزمن ایران، که ناشی از عواملی چون رشد نقدینگی، کسری بودجه و شوک‌های ارزی است، این مالیات ممکن است تأثیر محدودی بر مهار تورم داشته باشد و نتواند به‌طور کامل انتظارات تورمی را کنترل کند. همچنین، ابهام در تعریف دقیق سوداگری و نبود زیرساخت‌های شفاف برای اجرا، ممکن است به برخوردهای سلیقه‌ای یا فرار سرمایه به بازارهای زیرزمینی منجر شود. تجربه طرح‌هایی

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

هادی طحان نظیف عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «(طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی) که در مراحل قبل با ابهامات و اشکالاتی مواجه شده بود، پس از انجام اصلاحات در مجلس شورای اسلامی و بررسی مجدد در شورای نگهبان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

به این ترتیب به زودی شاهد ابلاغ و اجرای این طرح خواهیم بود. سوال این است که اجرای «طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» چه اثری روی اقتصاد ایران می‌گذارد؟ اجرای «طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» در اقتصاد ایران با هدف کاهش فعالیت‌های غیرمولد و هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید، می‌تواند اثرات چندگانه‌ای داشته باشد. این قانون با تمرکز بر اخذ مالیات از سود حاصل از خرید و فروش کوتاه‌مدت دارایی‌هایی نظیر مسکن، خودرو، طلا، ارز و رمزارز، قصد دارد

انگیزه‌های سوداگران را کاهش داده و ثبات را به این بازارها بازگرداند. بر اساس اظهارات مقامات، این طرح تنها حدود یک تا پنج درصد از جامعه را که در فعالیت‌های سوداگرانه فعال هستند، مشمول می‌کند و با پیش‌بینی معافیت‌هایی مانند امکان خرید و فروش دو خودرو و دو ملک برای هر سرپرست خانوار از تأثیر بر عامه مردم جلوگیری می‌کند. اقتصاددانان مخالف «طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» عمدتاً به دلایلی نظیر ناکارآمدی در شرایط اقتصاد کلان ایران، پیچیدگی‌های اجرایی و احتمال آثار منفی بر سرمایه‌گذاری استدلال می‌کنند. در اقتصاد ایران که با تورم مزمن، رشد نقدینگی بالا، کسری بودجه ساختاری و شوک‌های ارزی مواجه است، برخی اقتصاددانان معتقدند این طرح نمی‌تواند ریشه‌های اصلی التهابات بازار مانند انتظارات تورمی یا ضعف سیاست‌گذاری پولی را برطرف کند. آنها هشدار می‌دهند که مالیات بر سوداگری بدون زیرساخت‌های شفاف اطلاعاتی و نظام جامع مالیاتی، ممکن است به فرار سرمایه، افزایش فعالیت‌های زیرزمینی یا کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران منجر شود. تجربه طرح‌های مشابه، مانند مالیات بر خانه‌های خالی که به دلیل ضعف اجرا تنها بخش ناچیزی از اهداف خود را محقق کرد، این نگرانی را تقویت می‌کند. همچنین برخی اقتصاددانان معتقدند این طرح ممکن است به جای بازدارندگی، سوداگری را به شکلی

بازار سهام

ریزش پس از ۹ روز

وقت رونق صندوق‌های طلا فرا رسیده است؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

پس از رشد شاخص کل برای ۹ روز متوالی در معاملات دیروز، شاخص کل برای سومین روز متوالی با کاهش ارتفاع همراه شد. در معاملات دیروز، بازار سهام با خروج پول حقیقی همراه شده؛ اما صندوق‌های درآمد ثابت و صندوق‌های طلا با ورود پول حقیقی مواجه شدند. شاخص کل با کاهش ۰/۴۹ درصدی همراه شد تا با ثبت افت برای سومین روز متوالی در سطح ۲ میلیون و ۸۱۱ هزار واحدی قرار بگیرد. شاخص هموزن هم ۰/۷ درصد از ارتفاع خود را از دست داد و در سطح ۸۳۷ هزار واحدی قرار گرفت. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار با کاهش ۰/۴۲ درصدی همراه شد. در جریان دادوستدهای دیروز برای چهارمین روز متوالی، بازار سهام با خروج پول حقیقی همراه

کشور است. سرمایه‌گذاران حقیقی، که بخش عمده‌ای از آن‌ها تجربه و تخصص عمیقی در مدیریت ریسک ندارند، به محض دریافت نشانه‌هایی از بحران یا ناآرامی، سعی می‌کنند دارایی‌های خود را از بازارهای پرریسک مانند بورس، خارج کرده و به سمت گزینه‌های امن‌تری چون سپرده بانکی یا طلا هدایت کنند. در این فضا، ترس از تداوم درگیری‌ها و اثرگذاری منفی آن‌ها بر اقتصاد ملی مانند افزایش نرخ ارز، رکود کسب‌وکارها، اختلال در زنجیره تأمین و کاهش سودآوری شرکت‌ها باعث می‌شود، نگاه کوتاه‌مدت و محافظه‌کارانه بر بازار غلبه کند.

بازار سرمایه در دوران پسا جنگ با افت و خیز بسیاری همراه بود و همان‌طور که همچنان شاهد خروج نقدینگی از بازار سهام هستیم. حجت‌الله صیدی، رئیس سازمان بورس از جمله افرادی است که اعتقاد دارد به زودی و در روزهای آینده شاهد متعادل شدن بازار خواهیم بود. باید دید در روزهای آینده کدام نیروها با بازار سهام جهت می‌دهند.

شد. خروج پول هزار و ۴۵۴ میلیارد تومانی در معاملات دیروز موجب شد تا آمار خروج پول از بازار سرمایه در پنج روز معاملاتی اخیر به بیش از ۵ هزار میلیارد تومان افزایش یابد. ارزش معاملات خرد بازار نیز همچنان ی‌س‌آ‌و‌ر رکود در تالار شیشه‌ای است و در معاملات روز یک‌شنبه، رقم ۶ هزار میلیارد تومان را ثبت کرد. دلار آزاد که معاملات شب گذشته را در سطح ۸۸ هزار تومان به پایان رسانده بود؛ معاملات روز جاری را نیز در همان سطح آغاز کرد؛ اما در ادامه دلار با کاهش همراه شد و وارد کانال ۸۷ هزار تومان شد. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار در حوالی ۷ میلیون تومان مورد معامله قرار گرفت. سکه هم در نزدیکی‌های کانال ۷۸ میلیون تومان معامله شد. بعد از بازگشایی مجدد بورس؛ بازار سهام همواره با خروج پول حقیقی همراه بوده است. خروج پول حقیقی از بازار در چنین مقاطعی، بیش از آنکه ناشی از تحلیل‌های بنیادی باشد؛ ناشی از جویی اعتمادی و تشدید نااطمینانی در فضای اقتصادی و سیاسی

پرواز آبپاش‌ها

ایران برای نخستین بار برای خاموش کردن هورالعظیم و حفظ سلامتی مردم دست به کار شد

گروه اجتماعی: در حالی که از چهارم مردادماه دود ناشی از آتش‌سوزی گسترده در بخش عراقی تالاب هورالعظیم، آسمان خوزستان را تیره کرده بود یک هواپیمای آبپاش به اهواز اعزام شد تا عملیات اطفای حریق در آن سوی مرز را آغاز کند. استاندار خوزستان اعلام کرد که این هواپیمای روز ۳ مرداد وارد فرودگاه اهواز شد و مأموریت ویژه آن از صبح شنبه شروع شد. به گفته سیدمحمدرضا موالی‌زاده، نخستین بار در سال جاری است که ایران از ظرفیت هوایی خود برای مهار آتش‌سوزی‌های فرامرزی استفاده می‌کند و سلامت مردم استان را اولویت قرار داده است!

این هواپیمای در روز نخست ۱۶۰ هزار لیتر آب روی تالاب ریخت؛ در هر پرواز حدود ۴۰ هزار لیتر آب روی منطقه پاشیده شد تا علاوه بر خاموش کردن آتش، سطح تالاب خنک و رطوبت خاک افزایش یابد. این عملیات روز یک‌شنبه پنجم مردادماه نیز ادامه یافت و مقامات محلی وعده دادند که تا خاموش شدن کامل آتش و کاهش دود، عملیات متوقف نخواهد شد.

محمدجواد اشرفی، مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان با تأکید بر اینکه آتش‌سوزی در بخش عراقی تالاب، حق حاکمیت ایران را در اقدام به اطفای توجیه می‌کند، اظهار کرد که مهار آتش «حق قانونی ایران است» و همه دستگاه‌های دیپلماسی در حال پیگیری‌اند تا مقامات عراقی متقاعد شوند که حداقل حقایق تالاب را تأمین کنند. او گفت که استفاده از هواپیمای آب‌پاش می‌تواند، بخشی از دود را کنترل کند اما راه‌حل اصلی و نهایی، رهاسازی آب در بخش عراقی تالاب است. اشرفی ادامه داد که تلاش می‌شود، هواپیمای آبپاش تا حداکثر زمان ممکن در خوزستان باقی بماند زیرا با نزدیک شدن به ایام ربیعین باید شرایطی فراهم شود تا زائران کمتر در معرض دود قرار گیرند .

شهر

کنار زدن بخش خصوصی

چرا در بحران حمل‌ونقل عمومی، زاکانی بودجه شهرداری را صرف رقابت با بخش خصوصی می‌کند؟

از نظر فنی معیوب است و رفع باگ‌ها به‌کندی پیش می‌رود. او گفت «ما مدام در حال بازگرداری ماژول‌های جدید روی این زیرساخت ناقص هستیم... وقتی پایه کار ایراد دارد، محصول نهایی هم دچار ایراد خواهد بود». وی هشدار داد که ادامه این روند به ناکامی پروژه منجر می‌شود و شورای شهر را از نقش نظارتی خود دور می‌کند .

چند ساعت بعد از رونمایی، رسانه‌ها گزارش دادند که؛ سامانه شهرزاد با «باگ‌های نرم‌افزاری» و نقص‌های فنی دست‌وپنجه نرم می‌کند و هنوز به ثبات لازم نرسیده است. جعفر تشکری‌هاشمی، دیگر عضو شورا گفت که؛ بازگرداری داده‌های جدید روی این زیرساخت، بدون اصلاح ریشه‌ای، انتظار خروجی مثبت را بیهوده می‌کند. احمد خورشیدی، مدیر سامانه شهرزاد، در گفت‌وگو با همان رسانه اذعان کرد «انتقادات واردشده، درست است» و در حال حاضر تنها ۱۰ درصد کاربران به صورت تصادفی امکان استفاده از تاکسی آنلاین را دارند تا باگ‌ها برطرف شود؛ او وعده داد حداکثر طی یک ماه دسترسی برای همه کاربران فراهم می‌شود. این اعتراف نشان می‌دهد که حتی طراحان پلتفرم نیز به ناپختگی آن واقف‌اند.

تناقض با سیاست خصوصی‌سازی

یکی دیگر از محورهای نقد اعضای شورا به اصل ورود شهرداری به حوزه کسب‌وکارهای اینترنتی بازمی‌گردد. ناصر امائی، عضو شورای شهر با اشاره به احکام قانون برنامه هفتم توسعه یادآور شد که این برنامه صراحتاً بر واگذاری امور به بخش خصوصی و منع تصدی‌گری دولت و شهرداری تأکید دارد. او گفت یکی از دلایل غیرفعال شدن سازمان تاکسیرانی در دوره‌های قبلی همین اصل خصوصی‌سازی بود؛ حال چرا باید دوباره به سمت تصدی‌گری بازگردیم؟ امائی پیشنهاد کرد که اگر هدف، ایجاد امنیت خاطر برای مردم است، شهرداری می‌تواند اساسنامه شرکی را با ساختار خصوصی تدوین و برای مدت محدود اجرا سپس آن را به بخش خصوصی واگذار کند؛ اما شکل فعلی بیشتر شبیه اقدامی شتاب‌زده برای نمایش است.

این انتقادات در شرایطی مطرح می‌شود که بازار تاکسی‌های اینترنتی ایران به‌طور عملی در اختیار دو پلتفرم خصوصی بزرگ یعنی

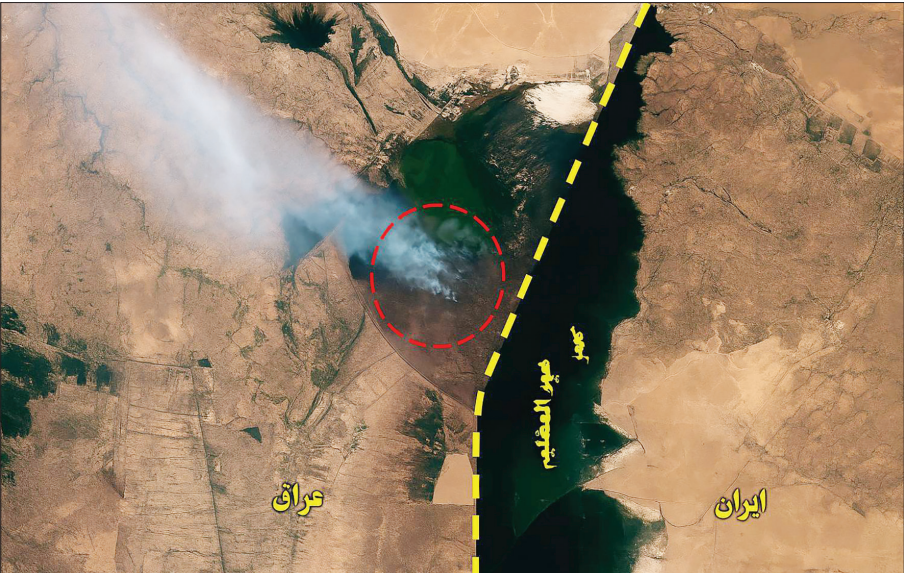
«اسنپ» و «تپسی» است. این اپلیکیشن‌ها توانسته‌اند با جذب سرمایه، ارائه تخفیف‌های پیوسته و توسعه زیرساخت فنی، کاربران را جذب کنند. حالا این سؤال مطرح است که در شرایط حضور دو بازیگر قدرتمند و تثبیت‌شده، ورود شهرداری چه توجیهی دارد؟ اگر هدف حمایت از تاکسی‌های رسمی است چرا این حمایت از طریق ابزارهای تنظیم‌گری یا تسهیل فعالیت اپلیکیشن‌های خصوصی صورت نگرفته است؟

هواداران طرح به افزایش بی‌رویه نرخ در پلتفرم‌های خصوصی طی «جنگ ۱۲ روزه» اشاره می‌کنند و مدعی‌اند که شهرداری باید رقیب ایجاد کند. اما تجربه‌های گذشته چیز دیگری می‌گوید. در سال ۱۳۹۵ شهرداری تهران پروژه «کارینو» را با هدف رقابت با اسنپ و تپسی راه‌اندازی کرد؛ این پروژه با تبلیغات گسترده آغاز شد اما به دلیل ضعف زیرساخت، نبود مدل شکست خورد و در اواخر دهه ۱۳۹۰ متوقف شد. چنین تجربیات شکست‌خورده‌ای، باعث شده است بسیاری از کارشناسان نسبت به موفقیت «شهرزاد» نیز با تردید نگاه کنند.

اولویت‌های گمشده: وظایف مدیریت شهری چیست؟

منتقدان می‌پرسند در شرایطی که تهران با بحران‌های جدی‌تری نظیر کمبود اتوبوس، فرسودگی خطوط مترو، آلودگی هوا و کاهش سطح خدمات عمومی مواجه است چرا باید بودجه و توان مدیریتی شهرداری صرف طراحی اپلیکیشنی شود که بخش خصوصی به‌خوبی از عهده آن برآمده است؟

ورود شهرداری به بازار تاکسی‌های اینترنتی زمانی توجیه‌پذیر است که کمبود یا خلأ مشخصی وجود داشته باشد که بخش خصوصی نتواند پر کند. اما در حال حاضر نه تنها چنین خلأیی وجود ندارد بلکه اسنپ و تپسی با ناوگان گسترده و تجربه کاربری مطلوب، جای خود را در میان شهروندان باز کرده‌اند. اگر هدف حمایت از رانندگان تاکسی رسمی است، شهرداری می‌تواند از ابزارهای خود برای سیاست‌گذاری نرخ، اعطای تسهیلات، تشویق به استفاده از تاکسی‌های رسمی و نظارت بر رعایت مقررات استفاده کند بدون اینکه وارد رقابت مستقیم شود.



چندانی به رفع مشکل نشان نمی‌دهد. او توضیح داده که با خشک شدن هورالعظیم، خاک منطقه به مواد اشتعال‌زا تبدیل شده و خاموش کردن آن حتی با هواپیمای آبپاش نیز بی‌فایده است؛ راه‌حل واقعی، مرطوب‌سازی و تأمین حقایق در فصل‌های بارندگی است.

خشکی تالاب تنها یک مسأله محیط‌زیستی نیست؛ بلکه مستقیماً بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. دود ناشی از سوختن نیزارهای خشک، هوای اهواز را در وضعیت «بسیار ناسالم» قرار داده و شهرهای رامهرمز، ماهشهر، خرمشهر و امیدیه را به وضعیت «قرمز» رسانده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد طی دو هفته اخیر بیش از ۱۴۰۰ نفر به دلیل مشکلات تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های خوزستان مراجعه کرده‌اند. مردم محلی می‌گویند در گذشته با بیدار شدن، آسمان را آبی و پرندگان را در پرواز می‌دیدند اما امروز در دود خاکستری تنفس می‌کنند و بوی سوختن در شهر پیچیده است. افزون بر این فعال شدن کانون‌های گردوغبار در عراق، سوریه، اردن و عربستان با هر وزش باد، موجب ورود ریزگردها به ایران می‌شود. به گفته کارشناسان، خشک شدن هورالعظیم، بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه را به‌وجود آورده و ۲۵ استان غربی و مرکزی ایران را در معرض ریزگردها قرار داده است .

قضای

دادگاه غیرعلنی الهه

امروز دادگاه قاتل الهه حسین‌نژاد به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود

جلسه محاکمه منتهم به قتل الهه حسین‌نژاد، به دلیل حساسیت بالای پرونده و درخواست خانوادهاش، به صورت غیرعلنی در شعبه اول دادگاه کیفری استان تهران برگزار خواهد شد. وکیل خانواده، امیرحافظ سلیمانی، اعلام کرده که اولیای دم خواهان قصاص هستند و منتهم، «بهمن فرزانه»، در کیفرخواست به قتل عمدی، مخفی‌کردن جسد، تخریب اموال و ایراد صدمات غیرمسمی منتهم شده است. غلامرضا جوهری، سرپرست دادگاه کیفری یک تهران، توضیح داده که پرونده پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی به شعبه ارسال شده و با توجه به حساسیت موضوع، رسیدگی با سرعت و دقت انجام خواهد شد. برگزاری دادگاه به صورت غیرعلنی برای حفظ حرمت و جلوگیری از جنجال‌های رسانه‌ای انجام می‌شود.

الهه حسین‌نژاد، دختر جوانی که چهارم خرداد ۱۴۰۴ برای بازگشت به اسلام‌شهر از میدان آزادی تهران سوار خودرویی شد، دیگر به خانه نرسید. راننده در ابتدا منتظر مسافر دیگری بود اما الهه به دلیل عجله از او خواست حرکت کند و پس از پرداخت کرایه، درخواست کرد با مبلغی اضافه او را به محله قائمیه برساند. در طول مسیر با یکی از دوستانش تلفنی صحبت می‌کرد و همین تماس به‌گفته منتهم سرآغاز درگیری لفظی شد. راننده سابقه‌دار با چند ضربه چاقو وی را به قتل رساند و جسد را در بیابان‌های اطراف فرودگاه رها کرد. او تلفن‌های مقتول را برای محو آثار جرم دور انداخت اما پلیس با رصدای اطلاعاتی ردّش را گرفتند و در عملیاتی غافلگیرانه در مخفیگاهش در خیابان نواب دستگیرش کرد.

چند ساعت پس از ناپدید شدن الهه، خانواده‌اش فقدان او را به پلیس اطلاع دادند و تیم جنایی تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کرد. سردار علی ولیپور‌گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، گفت که منتهم پس از مشاهده گوشی تلفن همراه مقتول نیت سرقت و احتمالاً آزار پیدا کرده و با مقاومت او روبه‌رو شد. وی تأکید کرد که همکارانش توانستند در زمان کوتاه هویت قاتل را شناسایی و دستگیر کنند. کشف جسد و اعترافات منتهم، که سابقه‌دار بوده، افکار عمومی را در شوک فرو برد و نام الهه به سرعت به سرخط خبرها تبدیل شد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیراقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آیین‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

شناسه آگهی: ۱۹۶۹۵۰۷

نوبت دوم



شرکت ملی صنایع پتروشیمی

آگهی حراج عمومی شماره ۰۲۰۰۰۰۰۵۲۰۹۲۰۴۰۳۰۰

شرکت ملی صنایع پتروشیمی در نظر دارد نسبت به فروش یک دستگاه بویلر ۱۵ تنی موجود در شهرستان ماهشهر – پتروشیمی ارونند از طریق حراج عمومی به متقاضیان حقیقی و یا حقوقی اقدام نماید، کلیه مراحل فرآیند برگزاری حراج صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد انجام می‌شود لذا متقاضیان می‌توانند صرفاً از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

• **دستگاه حراج گزان:** شرکت ملی صنایع پتروشیمی

• **موضوع حراج:** فروش یک دستگاه بویلر ۱۵ تنی با ظرفیت ۳۵۰۰۰ Lbs/hr و ولتاژ ۳۸۰V/۵۰-HZ

• **تاریخ، مهلت و نحوه دریافت اسناد:** از تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ صرفاً با مراجعه به درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

– دریافت اسناد صرفاً از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir امکان پذیر بوده و متقاضیان در صورت تمایل می‌توانند به درگاه مزبور مراجعه نمایند.

– در صورت عدم عضویت قبلی، لازم است مراحل ثبت نام در سایت یاد شده تا دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در فرآیند ارزیابی توسط متقاضی محقق شود.

– در صورت نیاز به دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد می‌توانید با شماره‌های ۰۲۱۸۴۹۹۲۵۸۹ (امور پیمانهای مدیریت طرح‌ها) تماس بگیرید.

– این آگهی همچنین در تارنمای شرکت ملی صنایع پتروشیمی به آدرس www.nipc.ir در دسترس و قابل رؤیت می‌باشد.

• **مبلغ پایه حراج:** ۶,۳۸۵,۰۰۰ ریال (شش میلیارد و سیصد و هشتاد و پنج میلیون ریال)

• **آخرین مهلت و محل تحویل پیشنهادات:** مهلت تحویل پیشنهادات تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) بارگذاری نمایند. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و بازدید از کالاهای موضوع حراج نسبت به هماهنگی و ارسال درخواست کتبی، به امور پشتیبانی مهندسی طرح‌ها اقدام نمایند.

روابط عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی

شناسه آگهی ۱۹۷۲۵۸۷

نوبت اول



شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی
(سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی به شماره م ع/ ۰۳/ ۹۴۸/ SZ/ تحت عنوان: انجام خدمات حراست و حفاظت از اموال، اماکن، تاسیسات، خطوط لوله و مراکز جمع آوری و خطوط شبکه هوایی در منطقه عملیاتی نارو کنگان

۹- مهلت تسلیم (بارگذاری) اسناد تکمیل شده مربوط به استعلام ارزیابی کیفی: ۱۴ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی.
۱۰- آدرس سایت جهت دریافت و بارگذاری اسناد: www.setadiran.ir (در اسناد مناقصه به اختصار (سامانه ستاد) نامیده میشود)
۱۱- آدرس: شیراز-خیابان کریمخان زند-روبروی خیابان خیام-نیش کوچه ۴۲-ساختمان شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی-تلفن تماس اداره امورحقوقی و پیمان ها: ۰۷۱۳۲۱۲۸۴۶۷- تلفن تماس کمیته فنی بازگانی: ۰۸۶۷۱-۰۷۱۳۲۱۲۸۲۸۵- تلفن تماس کمیسیون مناقصات:۰۷۱۳۲۱۲۸۴۴۲
۱۲- شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه و احراز حداقل امتیاز ارزیابی کیفی مندرج در اسناد استعلام ارزیابی کیفی و سایر اسناد مناقصه می باشد.
۱۳- مبلغ برآورد : ۱-۱۳ مبلغ برآورد تقریبی اجرای کار: ۱۸۹,۳۷۶,۱۸۹ ریال (یک هزار و سیصد و دوازده میلیارد و دویست و چهل و هفت میلیون و یکصد و هشتاد و نه هزار و سیصد و هفتاد و شش) ریال ۲-۱۳ مبلغ برآورد اولیه نهایی کارفرما به همراه صورتجلسه توضیح و تشریح اسناد مناقصه اعلام می گردد.
۱۴-پیش پرداخت:۱۵ درصد مبلغ اولیه پیمان

از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می آید پس از بارگذاری اسناد استعلام ارزیابی کیفی در سامانه ستاد ایران در مهلت مقرر جهت اخذ اسناد مورد اشاره به آدرس اینترنتی سامانه ستاد ایران مراجعه نمایند و پس از دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی، کلیه مدارک و مستندات مندرج در آن را مطالعه، تکمیل و در مهلت مقرر بارگذاری نمایند. ضمناً ارزیابی کیفی مناقصه گران بصورت غیرحضوری و صرفاً از طریق سامانه مذکور صورت خواهد پذیرفت. لازم به توضیح است که پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، اسناد مناقصه میان متقاضیان واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است بارگذاری اسناد و مدارک جهت ارزیابی کیفی بعد از مهلت مقرر میسر نمی باشد.

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی به مرکزیت شیراز، در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را مطابق با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای(همراه با ارزیابی کیفی) واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه : انجام خدمات حراست و حفاظت از اموال،اماکن، تاسیسات،خطوط لوله و مراکز جمع آوری و خطوط شبکه هوایی در منطقه عملیاتی نارو کنگان
۲- شماره مناقصه م ع/۰۳/۹۴۸/ SZ/
۳- نوع مناقصه: عمومی یک مرحله ای
۴- مدت انجام کار: ۱۲ ماه
۵- مناقصه مورد اشاره در سامانه اینترنتی setadiran.ir به شماره فراخوان ۰۳۷۱۰۰۰۰۹۱۷۰۳۰۰۴گردیده است.
۶- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : حداقل به مبلغ ۹۴۳,۷۸۸ ریال (چهل و سه میلیارد و سیصد و چهل و چهار میلیون و نهصد و چهل و سه هزار و هفتصد و هشتاد و هشت) ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد و همچنین در صورت برنده شدن قادر به ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ اولیه پیمان باشد.
الف)- ارائه رسید معتبر بانکی مبنی بر واریز کامل مبلغ فوق الذکر
ب)- ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوقی الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰ روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۳۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
۷- محل اجرا: منطقه عملیاتی نارو کنگان
۸- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به همراه سایر اسناد مناقصه: ۵ روز پس از بارگذاری اسناد در سامانه الکترونیکی ستاد دولت(بارگذاری اسناد پس از انتشار نوبت اول آگهی مناقصه می‌باشد).

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی

۳۶۶

شناسه آگهی ۱۹۶۸۹۱۷

نوبت اول



شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه کرمان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) کد فر خوان ۰۸۰۰۰۰۰۰۹۱۹۹۰۴۰۳۰۰ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

مناقصه گزان: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران – منطقه کرمان

شرکت ملی پخش فرآورده های ایران/ منطقه کرمان در نظر دارد پیمان مشروح ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس: ۱۴۵۶/ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ می‌باشد. لذا از متقاضیان شرکت در رمناقصه دعوت بعمل میاید جهت دریافت اسناد مناقصه با در نظر داشتن مدارک مندرج در ذیل، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نمایند.

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد	تاریخ بارگزاری پاکات در سامانه ستاد(مهلت ارسال پیشنهاد)	زمان جلسه توجیهی	تاریخ بازگشایی اولیه پاکات ارزیابی کیفی	زمان بازگشایی پاکات الف و ب و ج
مناقصه واگذاری حجمی ازمای ائبار نفت ناحیه رفسنجان	۹۸۱,۱۵۳,۱۹۹,۸۷۷	۴۹۰,۵۷,۶۵۹,۹۹۴	از تاریخ چاپ آگهی ۱۴۰۴/۵/۰۶ تا تاریخ ۱۴۰۴/۵/۱۱	۱۴۰۴/۵/۲۵	۱۴۰۴/۵/۱۳ سالن جلسات منطقه ساعت ۱۱	۱۴۰۴/۵/۲۶ ساعت ۸	۱۴۰۴/۵/۲۹ ساعت ۱۰
نوع تضمین	ضمانت نامه معتبر بانکی یا واریز نقدی مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه به شماره حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۴۶۰۰۶ بانک ملی شرکت ملی پخش فرارود های نفتی منطقه کرمان						
محل گشایش پیشنهاده‌ها	کرمان چهارراه خواجه جنب زمین ورزشی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمان تلفن ۳۲۵۳۱۱۹۱-۳۴۰۴						
شرایط عمومی و مدارک مورد نیاز برای شرکت در مناقصه	دارا بودن و ارائه گواهی تأیید صلاحیت معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی (شرکتهایی حق حضور در مناقصه را دارند که دارای رتبه بندی طرح طبقه بندی مشاغل کاری مورد تأیید وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی در موضوع مناقصه و پیمان (حسب مورد) باشند) /دارا بودن و ارائه گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی /ارائه تصویر کارت ملی و شناسنامه مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره شرکت، تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت، تصویر آگهی تاسیس شرکت، گواهی آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، سوابق شغلی و تحصیلی مدیر عامل و اعضاء هیئت مدیره، گواهی صاحبان اعضاء مجاز شرکت و مشخصات هویتی شرکت (گواهی کد اقتصادی و شناسه ملی)، /ارائه اسناد مبنی بر ارتباط موضوع مناقصه با اساسنامه شرکت، /ارائه گواهینامه معتبر ثبت نام در نظام مالیات و عوارض ارزش افزوده/عدم وجود سوء عملکرد در پیمانهای سنوات گذشته/عدم ممنوع معامله بودن در سطح کلیه شرکتها (در صورت قرارداداشتن در لیست شرکتهای ممنوع معامله، سپرده شرکت در مناقصه به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد گردید) /احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتنی، ایمنی و زیست محیطی (HSE) /ارائه صورت های مالی حسابرسی شده دوسال آخر / کلیه مدارک و مستندات مهیوم و می بایست به تأیید مدیر عامل شرکت رسیده باشند. /مسئولیت صحت مستندات ارائه شده برعهده متقاضی شرکت در مناقصه بوده و در هر مرحله از مناقصه و فرآیند پس از آن جهت عقد قرارداد: /صحت آنها برای شرکت محرز نگردد مناقصه و قرارداد ابطال و ضمانت نامه های ارائه شده ضبط می گردد. / تکمیل فرم های استعلام ارزیابی کیفی و الصاق نمودن کلیه مستندات مرتبط در سامانه ستاد / برنده مناقصه مکلف به ارائه اصل یاکپی برابر با اصل مستندات بارگزاری شده می باشد و در صورت هرگونه تناقض برابر قوانین و مقررات برخورد خواهد شد. لازم به ذکر می باشد حداقل امتیاز مورد قبول کمیته فنی بازگانی ۵۰ می باشد. /ارزیابی تجربی و حسن سابقه در قراردادهای مشابه در ۱۰ سال گذشته صرفاً قراردادهای خاتمه یافته قابل بررسی می باشد.						
تاریخ چاپ آگهی	نوبت اول آگهی روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۵/۰۶ و نوبت دوم آگهی روز سه شنبه ۱۴۰۴/۵/۰۷						
توضیحات	کلیه مدارک شرایط عمومی در سامانه به همراه فرمهای ارزیابی کیفی بارگزاری گردد. از بارگزاری مدارک تکراری و غیرمرتبط با موضوع مناقصه در سامانه ستاد خودداری گردد تمامی صفحات داخل فایلهای بارگزاری شده در سامانه ستاد پشت سرم و به ترتیب شماره گذاری گردد.						

آگهی های فوق قابل مشاهده در سایت های:

<http://Kerman.niopdc.ir>

<http://IETS.MPORG.ir>

<http://Monaghese.niopdc.ir>

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۰۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۰۶

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمان

۳۶۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳

آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی

و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۰۲۱۸۸/۱۴۰۴۶۰۳۲۲۰۰۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک زاهدان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالناصر حسن زائی شفیق فرزند محمد رسول بشماره شناسنامه ۲۳۴ صادره از زاهدان و کدملی ۳۶۲۰۴۳۴۲۷۱ در یک باب منزل به مساحت ۲۰۷۰۳ مترمربع پلاک فرعی از ۲۸۳۰- اصلی واقع در کشاورز ۱۰ خریداری از مالک رسمی آقایان احمد و علی و غلامرضا کربلانی هرفته محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴۰۵۰۶

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴۰۵۰۲۲

عباسعلی اکبری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک زاهدان

م الف ۲۳۰۶

شناسه آگهی:۱۹۶۹۱۱۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین

نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و

اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۰۰۲۳۵۷/۱۴۰۴۶۰۳۲۲۰۰۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک منطقه یک زاهدان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدنور شه بخش مالکی فرزند اله نور بشماره شناسنامه۳۷۶ صادره از زاهدان و کدملی ۳۶۲۲۳۳۵۸۲۹ در یک باب منزل به مساحت ۲۳۸,۳۷مترمربع پلاک فرعی از ۲۸۴۰- اصلی واقع در زاهدان باقری ۶۹ خریداری از مالک رسمی آقای محمد گرگیج محرز فعال گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.

تاریخ نتشار نوبت اول ۱۴۰۴۰۵۰۶

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴۰۵۰۲۲

عباسعلی اکبری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک زاهدان

م الف ۲۳۰۷

شناسه آگهی:۱۹۶۹۱۱۲۱

آگهی رای هیات قانون

تعیین تکلیف وضعیت ثبتی

اراضی و ساختمان های فاقد

سند رسمی

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سمنندج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم آگهی می گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول و گواهی اخذ تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱- ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای ابوبکر پروازه فرزند احمد صادره سمنندج به مساحت ششادنگ ۴۵۲۲ متر مربع پلاک شماره ۴۳ فرعی از ۲۶- اصلی بخش ده منطقه ۲ سمنندج جزء نسق شماره ۹۵۷۰ مورخ ۱۳۴۵/۱۱/۲۲ دفتر ۱۶ سمنندج بنام ابوبکر پروازه هیوا احمدیان – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲سمنندج

م الف ۵۹۲۹

شناسه آگهی ۱۹۶۲۹۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶